



اجزاء قطعاً نباید هیچ حزبی داخل شوند و در امور سیاسیہ داخلہ نمایند

حضرت عبدالبہاء

آہنگ بدیع

مخصوص جوانان بہائی است

شمارہ سہ ماہی ۱۷۲

شہر العظیمہ شہر النور ۱۱۸ - خرداد ۱۳۴۰

شمارہ سوم سال شانزدہم

فہرست مندرجات

صفحہ	
	۱- لوح مبارک حضرت عبدالبہاء جل ثنائہ
۶۳	۲- حیات اجتماع در ظل دیانت بہائی
۶۵	۳- غذای روح
۶۹	۴- وادی طلب (از ہفت وادی)
۷۱	۵- ایادی امراللہ حارسان مدنیت جهانی حضرت بہاء اللہ
۷۴	۶- علم و دین (آخرین قسمت)
۸۰	۷- گنج وصال - سلطان و گدا (شعر)
۸۱	۸- شرح حال جناب فاضل یزدی
۸۳	۹- اتم
۸۶	۱۰- جدول آہنگ بدیع (شمارہ ۳)
۸۷	۱۱- دعوت بہمکاری
۸۸	۱۲- معرفی کتاب (دین و زندگی)
۹۰	۱۳- جل جدول شمارہ ۳

عکس روی جلد - حظیرہ القدس ملی ہندوستان در دہلی جدید
(منظرہ شمال شرقی)

ای دوستان آئی و یاران سنوی صدای الهیت که از ملکوت غیبی بر خاموشان و اوی اغما
 میرسد که ای جنگان بیدار گردید و ای مخموران بشیاری شوید ای مردگان زنده شوید و ای پرمردگان ترو تازه گردید
 و ای ساکنان ناطق شوید ای صامتان غمزه زیند بانگ بانگ میباشند و اشراق فیض الطاف نیز یافت
 نسیم زین احدیت است که در مرثیه نغمات حدائق موهبت است که در مطوع است شمع عنایت جمال قدم
 است که روشن در بر غمخیزان است فیض محاب رحمت است که طراوت بخش بر گلزار و چمن است آیت توحید است که
 منطوق کتاب مجید است و صحائف ملکوت رب نسیم است که ناطق با سرار بلهیم فی لبس من خلق جدید
 است گوشن گشاید تا بانگ سروش بشنوید چشم باز کنید تا مشاهده انوار نماید لطف حق عمیم است و فیض
 قدیش مستقیم گوش همه انوار دورش همه آثار مایوس گردید نو می نشوید روز امید است و تسنن خداوند مجید شما
 اولی است و قرن جمال الهی رحمتی تقدته فدا در هر فلکی نورش با هر دوری فغنی غایبیت بزرگواری
 شرق و غرب گرفته و آوازه خداوندش جنوب و شمال احاطه نموده و لوله در ارکان عالم انداخته و زلزله در اعضاء آدم
 آکنده عالم از این تجلی در گفتگو جمع ال در جستجو شده تا موقده در کل جهات بعنان آسمان رسیده و ندای طبر
 نورالمشهور در ارض گوش مکان جبروت رسیده همه در جوش و خروش و سر مست بوده بپوش شما که از منبت سدره
 مبارک آید و موطن حضرت مقدسه چرا باید خاموش نشینید و گوشتی بگریید باید چنان برهنه و زید که حرارت نار شما دایما
 مجاوره را مشتعل نماید و نغمات حدائق قلوب شما شام ملا علی را منظر نماید سیل فیض از آن دشت و کوکبهار
 برافق جاری گردد و انهار عرفان از آن دینه ساری بر او دیده و حسرا شود حتی علی انجاح حتی علی اصلاح حتی علی
 انفضال العظیم حتی علی انوار البسین حتی علی انوار الجلیل حتی علی انصب الوفیر و بسا حکیم جمین ع ع

حیات اجتماع در ظل دیانت بهائی

از بهائی نیوز امریکا مارچ ۱۹۶۱

ترجمه دکتر باهر فرقانی

بر طبق تعلیمات حضرت عبدالبهاء نفسوسنی در نزد حق محبوب

و مقبولند که بهیئت اجتماع خستندمت نمایند .

در عصر حاضر مشیت الله بر آن قرار گرفته که وحدت اصلیه در هیئت

بشریه تحقق یابد بدین معنی که جمیع ملل ملت واحده گردند

و کل اهل عالم علیرغم اختلافات نژادی و طبقاتی و جنس بصورت

ساکنین یک دنیای واحد در آیند .

ما بهائیان بر آنیم که بتوانیم سهم خود را در استقرارینای نظم

بدیع حضرت بهاء الله و تاء مین وحدت نوع بشر بخوبی ایفا

نمائیم باید قلوب و افکار خود را از قیود تقلید و تعصبات سابقه

و رسم و عادات سالفه خلاصی بخشیده خصائص تازه ای -

جدی گزین آنها نمائیم .

زندگی اجتماعی در ظل امریهائی بر اساس روح همکاری و اشتراك

مساعی استوار است برخلاف روش مسیحیان که مسئولیت -

مطالعه و تفکر و اداره امور روحانی فقط بردوش اولیای کلیسا

میباشد در امریهائی هر یک از ما مسئولیت دائمی و مستقیم و

درک عمیق تعالیم حضرت بهاء الله بر عهده داریم ما بایستد

بدانیم که در تحت تمام شرایط و مقتضیات ممکن است فرصتهای

منفاسی برای ما پیش آید که بتوانیم سهم خود را در مسئولیت

عظیمی که در راه تاء سیس ملکوت الهی بر روی زمین بر عهده داریم

ایفا نمائیم .

در خدمات امری نفس قبول مسئولیت بطیب خاطر خود جالسب

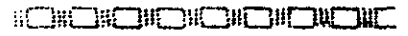
تائید و توفیق در خدمت باستان الهی است .

حضرت بهاء الله میفرماید :

" . . . و ننصر من قام علی خدمه امری بجنود من الملاء الاعلی

و قبیل من الملائکه " القمر بین . "

در امریهائی حیات روحانی فردی از حیات روحانی اجتماعی فیسر



قابل انفكك است.

حضرت ولی امرالله در اینمورد چنین فرموده اند :
") . . . ببادرت به انتزاع تعالیم جمال قدم ارتقا سیستانی



که مثل اعلای همان تعالیم وضع فرموده بمنزله رد یکی از
مقدسترین حقایق اساسیه این آئین بشمار میرود ."



يك فرد بهائی هراندازه هم که دارای خصائل پسندیده باشد اگر
خود را از اجتماع دورنگاه دارد نمیتواند وظائف خود را بعنوان يك
بهائی حقیقی اجرا نماید مگر اینکه باکمال علاقه و در بنای کاخ رفیع
هدنیت الهیه که حضرت بها^۱ الله در عصر حاضر برای استخلاص



وصیانت نوع بشر بنیان گذاشته شرکت و معاونت نماید .
البته ادیان گذشته بتا^۲ مین سعادت و نجات انفرادی خیلی همّت
گماشته اند ولی در امر بهائی آنچه که بیشتر اهمیت دارد سعادت
اجتماعی است .

های
در ظل نظم بدیع جهانی قاطبه اهل عالم از رجال و نسا^۳ فرصت
شیرینی خواهند داشت که خود را برای يك زندگی اجتماعی در
دنیای آینده آماده سازند .

حضرت بها^۴ الله در کلمات مکنونه میفرماید :

" احب الاشیا^۵ عندی الانصاف " مراتب حب و وداد ممکن است
در بین افراد محکم و متین باشد ولی عدالت و انصاف (علاوه بر
وظیفه فردی) يك مسئله اجتماعی است و فقط مو^۶ سسات اجتماعی
هستند که میتوانند آن را در بین افراد و جماعات مستقر نمایند .
ما با تا^۷ سپس مو^۸ سسات اجتماعی که حضرت بها^۹ الله با ارزانی داشته
بهرتر میتوانیم بحال بشریت خدمت نمائیم و وسیله^{۱۰} همین جاری و
قنوات است که عدالت جهانی بین تمام طبقات عالم انسانی منتشر
خواهد شد . حضرت ولی امرالله در طی سالیان گذشته چنین فرموده
" اهل بها^{۱۱} با نیان حصن حصین برای عالم بشریت میباشد و برای
اجرای این وظیفه عالی و مقدس و خطیر شایسته است کلیه دقایق
حیات خویش را فدا و انفاق نمایند . . ."



غذای روح

ع - صادقیان

" کتاب باغ و بوستان دانشمندان است "
(حضرت امیر (ع))

از هنگامیکه ماشین چاپ بوجود آمد تاکنون هزاران اختراع بزرگ و کوچک بدنیا عرضه شده و در راه خدمت به عالم بشریت بکار افتاده است ولی بجز نت میتوان گفت از نظر اشاعه معارف و توسعه علم و فنون هیچ اختراعی با صنعت چاپ برابری نمی کند .

در دنیای امروز مطبوعات چه بصورت روزنامه و مجله و نشریه و چه بصورت کتب درسی و غیر درسی یکی از لوازم انفکاک ناپذیر زندگی مردم تمدن شده و هیچ فرد تمدنی نمیتوان یافت که قسمتی از اوقات شبانه روز خود را صرف مطالعه نکند و با اینکه در سالهای اخیر رادیو تلویزیون و سینما رواج بسزائی پیدا کرده اند مطبوعات هنوز در بین این رقبای خود مقلم اول رادار است .

در امور تحصیلی و تعلیماتی " مطالعه " یکی از عوامل اولیه و مهم محسوب میشود هیچ استاد بزرگ - مهندس - معلم - هنرمند و بلاخره دانشجو و شاگردی خود را از " مطالعه " در فن و حرفه خود بی نیاز نمی بیند و مجبور است روزانه مقداری از وقت خود را صرف " مطالعه " در باره فن و حرفه تخصصی خود بنماید .
حضرت عبدالبهاء روح مسوا فداه در باره اهمیت نشر افکار عالییه چنین میفرماید :

" نشر افکار عالییه قوه محرکه در شریان امکان بلکه جان جهان است افکار چون بحری پایان و آثار و اطوار چون تعینات و حدود امواج - تا بحر بحرکت و جوش نیاید امواج بر نخیزد و ثالی حکمت بر شاطی وجود نیفشاند . . . "
این موضوع مسلم است که مطبوعات بزرگترین وسیله نشر افکار میباشد . اهمیت تاثیر افکار و کتب نویسندگان بزرگ در تغییر عقاید و ایجاد انقلابات فکری و روحی در جوامع مختلفه بشری غیر قابل انکار است و هر گاه تاریخ حیات ملل و جوامع مختلفه عالم را مطالعه کنیم بی بینیم که چگونه یک نفر متفکر و نویسنده با تحریر و انتشار یک کتاب سیر فکری و روحی جامعه ای را تغییر داده و گاه دیده شده است که یک کتاب در ایجاد نهضت های فکری از هزاران قشون و سرباز و صرف مبالغ هنگفتی موثر تر بوده است .

بسیار دیده شده است شخص مغرضی در اثر مطالعه یک کتاب استدلالی امری (مانند کتاب مستطاب ایقان) چنان تقلیب شده که بدون هیچگونه ایرادی بسر چشمه ایقان و ایقان فائز گردیده است .
در جهان سیاست و مملکت داری نیز مطبوعات مقام مهمی رادار است بطوریکه امروز مطبوعات را (رکن چهارم - دموکراسی) نام نهاده اند .

باتوجه بمراتب مذکوره اهمیت " مسئله مطبوعات " در جهان امروز و نقشی که در حیات فردی و اجتماعی و روحانی ما بازی میکند روشن میگردد .

اگر از آن بطریق صحیح استفاده شود سلامت و رشور حقایق عالیه مظاهر الهیه تربیت و تنویر افکار تعلیم علم و فنون ترویج اخلاق حسنه و فضائل پسندید و امثال آن نقش بسیار موثری خواهد داشت و اگر سرعکس بخد متامیل نفسانی و براه های شیطانی گمارده شود ضربه های جبران ناپذیری بر اساس افکار و ارواح انسان وارد میسازد که جبران آن بمیاسر مشگل بل منتق و محال خواهد بود .

xxx

" مطبوعات " را صرف نظر از شکل ظاهریشان به سه دسته میتوان تقسیم کرد این سه دسته عبارتند از :

- ۱- مطبوعات خوب و مفید
 - ۲- مطبوعات بی ضرر و بیفایده
 - ۳- مطبوعات مضر و فاسد
- که ذیلا بلیک این نوع را مورد بحث قرار میدیم :
- ۱- مطبوعات مفید

یکی از شعرا میگوید .

هم نشینی به از کتاب خواه که صاحب بودگه و بیگانه
براستی در جهان صاحبی بهتر از (کتاب خوب) وجود
ندارد و هیچ شخص هاقلمی را نمیتوان یافت که از -
(کتاب خوب) (بمعنی ام) لذتها و بهره های
روحی نبرده باشد .

شاید بتوانیم این گفته یکی از متفکران انگلیسی را
بهترین و جامعترین تعریف درباره (مطبوعات خوب)
بدانیم که میگوید .

" این است مصلی که بدون چوب و تازیانہ مارا تربیت
میکند - خشناک نمیشود - بدر رفتاری نی کند - از ما
دوری نی نماید - هر چه از وی میپرسیم جواب آنرا از
ما دریغ ندارد از بی اعتنائی مانی رنجد اگر جاهل
باشیم ما را استهزائی کند . "

هریک از ما در زندگی روزمره خود مقداری اوقات
فراغت داریم که هر کدام بنحوی آنرا صرف میکنیم .

ما در زندگی جسمانی خود برای ادامه حیات مجبوریم
در شبانه روز چند نوبت غذا بخوریم . و مسلما با توجه
بدستورات و راهنمایی های اطبا و غذاشناسان -
اغذیه ای را برای خود و افراد خانه انتخاب و تهیه
میکیم که دارای ویتامین ها و سایر مواد لازم و مفید
برای احتیاجات جسم ما باشد همانطور که جسم ما
احتیاج به غذا و مواد لازمه دارد مسلما روح ما نیز
احتیاج به غذای مستمری دارد و این " غذای روح ما "
آثار الهیه و افکار عالیه و مطالب معنویه ایست که
دسترس بدن جز از راه " مطالعه " میسر نیست
وماکه در مورد " غذای جسم " خود اینقدر در قیاس و
مراقب هستیم بطریق اولی بایستی در انتخاب
" غذای روح " خود دقیق تر و مراقب تر باشیم تا آنچه
راکه برای بقا و رشد و ترقی و تعالی روح لازم و مفید
است بوسیله " مطالعه " از سرچشمه فیاض افکار
عالیه انبیای الهی - علما - متفکرین - نویسندگان
و شعرای بزرگ عالم اخذ نماییم .

xxx

" کتاب " را به " دوست " تشبیه کرده اند
و چه تشبیه مناسبی است زیرا همانطوریکه ما از
معاشرت با دوستان خوب فوائد فراوان عاید ممان
میشود و از صاحبت معاشران بد دچار خسران و
سوال میگردیم از مطالعه کتب خوب نیز بهدارج عالیه
هدایت میشویم و از مطالعه کتب بد و مضر دچار
انحرافات جبران ناپذیر روحی میشویم .

ضرب المثلی میگوید : " هیچ نوشته ای نیست
که به یکبار خواندن نیارزد " ولی این گفته درباره
کلیه " نوشته ها " صدق نی کند زیرا بعضی از
نوشته ها از شرط ابتذال و فساد حتما به یکبار خواندن
هم نی ارزند و بسیاری از نوشته های خوب هم
هستند که ارزش " هزاران بار خواندن " را دارند .
از " مطبوعات " مانند سایر مظاهر تمدن میتوان
هم بطریق صحیح استفاده نمود هم بطریق غلط

ملت باهره و اطلاع بزقوانین و اصول و رسم و احوال و اطوار و قوا، مادی و ادبی عالم سیاسی ملل سائره و جامعیت فنون نافعه عصریه و تشج در کسب تاریخیه اعصار سالفه مل و دول است.

نقصی که امروز متاسفانه در بین جامعه ان ما شاهد میشود قلت توجه کافی بمطالعه و زیارت آثار و الواح مبارکه و سایر کتب امریه (مخصوصاً عدم مراجعه بسه آثار و الواح عربی) است.

عذری که اینگونه جوانان میاورند اینست که میگویند خواندن و فهمیدن این آثار مبارکه برای ما دشوار و بالاتر از معلومات ماست در صورتی که هرگاه ماغیر از زبان مادری خود زبان عربی را که بسیاری از آثار مبارک بآن تحریر یافته و بفرموده مبارک با زبان فارسی (چون شهد و شکریم آمیخته) است فراگیریم و باعادت بمطالعه و درک حقایق عالیه آثار مبارکه حلاوت و تلاوت اینگونه آثار در برابر ادراک جان خود دریا بیسم مسلمانان عذرهای بدتراز گناه نخواهیم تراشید بعد از زبانهای فارسی و عربی که از قلم مبارک به لسان (نور اوقی) لقب یافته اند - فراگرفتن زبان انگلیسی از نظراینگه بسیاری از آثار و توابع مبارکه حضرت ولی امر الله ارواحنا لترتبه الفدا، باین لسان مرقوم گشته برای جوانان عزیز لایم است.

۲ - مطبوعات بی ضرر و بیفایده

امروز متاسفانه مندرجات بسیاری از مطبوعات - مخصوصاً مجلات و روزنامه هارا اینگونه طالب (بیفایده و بی ضرر) تشکیل میدهند.

مطالعه اینگونه مطالب موجب تلف شدن وقت عزیز انسان میگردد و او را از توجه بمطالب عالیه باز میدارد. یکی از نویسندگان اینگونه مطالب را به پستانک های لاستیکی (گول زن) که مادران برای ساکت کردن اطفالشان بدان آنان میگذارند تشبیه کرده است و

ولی مسلمانانترین و مفیدترین وسیله تفریح و گذراندن وقت (خواندن کتب خوب) است خوشحال بحال کسانی که بجای صرف اوقات خود به بطالسه و کسالت و اشتغال به تفریحات بیفایده و احياناً مضره بمطالعه کتب مفیده میپردازند اینان از اینکار چند بهره میگیرند یکی اینکه با خواندن کتب و نشریات خوب با افکار عالیه بزرگان - متفکران آشنا شده بکسب علم و معرفت و حقایق عالیه که منظور نظر مبارک بوده میپردازند و توشه اخلاقی و علمی برمیگیرند و بر معلومات خود بیفزایند - دیگر اینکه از فاسادی که مکن است بدان آلوده شوند برکنار میمانند و مهمتر آنکه از لذت مطالعه (که خود یکی از بهترین لذات معنوی است برخوردار میشوند.

کدام لذت است که بالذات خواندن يك قطعه شعر یا شعر زیبا - يك کلام دل انگیز - يك فکر عالی و عمیق برابری کند؟

امرسون فیلسوف امریکائی میگوید:

"در عالیترین مدنیتها هنوز عالیترین مایه لذت و حظ روحانی کتاب است. کسی که یکبار از لذت کتاب بهره مند و آگه شود سرمایه بزرگی در مقابله مصائب و نوائب روزگار بدست خواهد آورد."

برای جوانان بهائی درجه اول مطالعه آثار و الواح مبارکه و کتب امریه و سایر کتب سماویه و در - درجه ثانی آثار دانشمندان و علما و متفکران و شرح حال مردان بزرگ و توا ریخ مل و نحل و امثال آن مفید و لایم است.

حضرت عبدالبهاء عزیزانه الاحلی در رساله مدنیه میفرماید:

"اول صنعت کمالیه علم و فضل است و جامعیت این مقام اعظم اقم آگاهی کمالی بر غوامض مسائل الهی و حقایق حکم سیاسیة شرعیه قرآنی و مضامین سایر کتب سماوی و وقوف بر ضوابط و روابط ترقی و تمدن

ضرر نداشته باشد فایده ای هم ندارند بشدت
ببرهیزند و هیچگاه عمر عزیز خود را که باید صرف
تحصیل کمالات و حقایق معنویه عالیه گردد باینگونه
مطالب بی سرتیه تلف نسازند و ذهن خود را از اینگونه
باحث بیفایده انباشته نمایند و در عرض سراغ مطالب
عالیه مهمه که در خلال بیانات و آثار الهیه و افکار
عالیه پرمغز نهفته است بروند و مشام جان و وجدان
خود را با این روائح مسکیه معطر و معنبر سازند .
پس از ذکر مطالبی که در قسمت " مطبوعات مفید "
در باره زیارت الواح و آثار الهیه و سایر کتب امریه
برآمد هرگونه توضیح دیگری در این خصوص زائد است و
اهمیت و لزوم عادت به مطالعه آثار الواح الهیه و
کتب امریه بقدری است که ذکر هر مطلبی در این باره
" توضیح واضحات " است و امید است جوانان عزیز
بهائی به نکات مذکوره در آن قسمت توجه شایسته
مبذول فرمایند .

۳ - مطبوعات مضر

همانطور که امروز جامعه بشری در سراشیبی سقوط
اخلاقی افتاده و در اغلب شئون روحانی راه تمدنی
بی پیماید " مطبوعات " و نویسندگان آن نیز دچار
ورشکستگی اخلاقی و سقوط تاثیر انگیزی گردیده اند
ناشرین و گردانندگان غالب نشریات و مطبوعات که خود
بوئی از دیانت و فضائل اخلاقی نبرده و از انتشار
مجلات و روزنامه ها هدفی جز استفاده های سیاسی
و مادی ندارند از درج هرگونه مطالب خلاف عفت و
اخلاقی بگردان نیستند .
امروز متأسفانه اکثریت قریب باتفاق مطبوعاتی که منتشر
میشود مورد مطالعه جوانان معصوم قرار میگیرد مطوایز
مطالب و داستانهای دربار مسائل جنسی سذدی
و جنایت - فن در کشی زیرا گذاشتن اصول دیانت
و فضائل اخلاقی و ماجراهای خطرناک و تحریک آمیز
میباشد که همراه تصاویر منافی عفت و اخلاق بی برده

حقیقتاً تشبیه مناسبی است زیرا همانطور که " گولزن "
بچه را سپرنی کند ولی بچه خیال میکند چیزی -
میخورد خوانندگانی هم که این نوع مطالب بیفایده
را بخوانند گرچه دلشان خوش است که وقتشان را
بمطالعه گذرانده اند ولی در حقیقت چیزی عاید شا
نمیشود . این نوع مطالب مانند غذاهای پر حجمی
هستند که در عین اینکه معده را پر میکنند فاقد
ویتامین هلو مواد لازم برای بدن میباشند .
علامت مشخصه این نوع نوشته ها " سطحی و بازاری "
بودن آنهاست زیرا توسط نویسندگان کم لایه و کم
سوادى که برلى امرامعاش قلم بدست میگیرند
نوشته میشوند . ایندسته از نویسندگان از راه
اجبار و بدون آنکه خود هدفی معنوی از تحریر این
مطالب داشته باشند صفحاتی را سیاه میکنند و
منظورشان فقط پر کردن صفحات روزنامه های مجله
و گرفتن مبلغی " حق التحریر " است . مسلم
است چنین نوشته ای بصداق .
ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش
چون مایه ای ندارد فایده ای هم بخوانند
نیتواند بدهد .

همانطور که ذکر شد این نوع مطلب عموم
" سطحی " و سرسری نوشته میشود خوانندگان را
نیز کم حوصله و سطحی و تبدیل عادت میدهد و آنانرا
دچار نوع " رکود و تنبلی فکری " میسازد که
براستی بلای مبری است که دامگیر خوانندگان
این نوع نوشته ها میشود . اگر نوشته ای قوه
متفکره خواننده را تحریک نکند و او را به تفکر و تعمق
در باره مسائل مورد بحث و اندارد بی الواقع جز
تلف کردن وقت و صرف نیروی خواننده نتیجه ای -
ندارد .

پس جوانان عزیز بهائی بایستی از مطالعه اینگونه
مطالب و نوشته های سرسری و " سطحی " که اگر

وادى طلب

زینت وادى

کتاب و رسائل مفیده امری و غیر امری بسیار هست که مطالب و مباحث بدیعه و جالبی را در بردارد و مطالعه آن برای احبای الهی بخصوص جوانان عزیز لایم و واجب است.

متأسفانه عدم دسترسی باین کتاب و رسائل از طرفی و عدم تکافوی فرصت برای مطالعه و بی بردن بسبب و شیوه و نوع مطالب مندرجه در کتاب و رسائل مزبور از طرف دیگر باعث میشود که عده زیادی از دوستان عزیز از مطالعه کتاب مفیده محروم بمانند.

بطوریکه خوانندگان ارجمند مستحضرنند در گاهی است که آهنگ بدیع برای ایجاد ذوق مطالعه در خوانندگان عزیز و معرفی کتاب مفیده بایشان صفحه ای را برای " معرفی کتاب " اختصاص داده و بدینوسیله تاحدی در معرفی کتاب سود مند توفیق یافته است ولی چون تحت عنوان مذکور صرفاً خلاصه مندرجات کتاب مختلفه و سایر مشخصات ظاهری آن با اطلاع خوانندگان عزیز میسر میسر شد و علاقمندان بمطالعه کتاب از شیوه و سبک و نحوه بیان طالب در کتاب مختلفه بی خبر میمانند.

لذا تصمیم گرفته شده که از این پس حتی المقدور در هر شماره تحت عنوان " صفحه ای از یک کتاب " عین یک صفحه و یا باقتضای تفصیل و اجمال عین یک فصل از کتاب مختلفه مفیده امری یا غیر امری که مطالعه آن برای خوانندگان عزیز سود مند و لایم تشخیص داده شود در یکی دو صفحه آهنگ بدیع درج شود تا بدینوسیله معرفی بیشتری از کتاب مختلفه بعمل آمده و علاقمندان بمطالعه کتاب با خواندن یک صفحه یا یک فصل مختصر از یک کتاب چنانچه طالب و سبک آنرا موافق با سلیقه خویش یافتند در صدد مطالعه کتاب مزبور برآیند.

اینکه من باب تبیین و تبرک این صفحه را با فصل جالبی از کتاب هفت وادی جمال قدم جل ذکره الاعظم آغاز مینمائیم.

امید است که این تمهید مفید افتد و ارباب ذوق و مطالعه را بکار آید.

هیئت تحریریه

مراتب سیر سالکان را از مسکن خاکی بوطن الهی هفت رتبه معین نموده اند چنانچه بعضی هفت وادی و بعضی هفت شهر ذکر کرده اند و گفته اند که سالک تا از نفس هجرت ننماید و این اسفار را طی نکند ببحر قرب و وصال وارد نشود و از خمر بیخمال نچشد.

اول وادی طلب است مرکب این وادی صبر است و مسافر در این سفر بی صبر بجائی نرسد و مقصود واصل نشود و باید که هرگز آفسرده نگردد اگر صد هزار سال سعی کند و جمال دوست نه بیند پزمرده نشود زیرا مجاهدین کعبه فیضا به بشارت لنهد ینهم سبلنا مسرورند و کمر خدمت در طلب بغایت محکم بسته اند و در هر آن از مکان غفلت با مکان طلب سفر کنند هیچ بندی ایشانرا منع ننماید و هیچ بندی سد نکند و شرط است این عباد را که دل را که منبع خزینه الهیه است از هر نفسی پاک کنند و از تقلید که از اثر آباء واجداد است اعراض نمایند و ابواب دوستی و دشمنی را باکل اهل ارض مسدود کنند و طالب در این سفر بیساقی رسد که همه موجودات را در طلب دوست سرگشته

آهنگ بدیع

حضرت مولی الوری روح ماسواه فذاه در باره -
پرهیز از این نوع مطالب چنین میفرمایند " . . . ولجنتنا
از قرائت کتب مادیه امم طبیعییه وحکایات و روایات
عشقیه و تالیفات غرامیه . . . "
این نوع مطبوعات نماینده مدنیت منحط و فاسد و رو
بزوالی هستند که بوئی از دیانت و تقوی نبرده و
حاصل افکار سقیمه و فاسد و گمراه کننده میباشند
و چون بیمار مختصری که در سکرات موت بهذیان گوئی
افتاده است بدرج لاطائلات و مطالب سخیفیه
خلاف عفت و اخلاق و خداپرستی و دیانت و -
انسانیت میبرد ازند .

XXXX

این دورنمایی از وضع مطبوعات فاسد عصر ماست که
د و شدوش سایر مظاهر فریبنده و مادی این -
مدنیت روزوال بجلو میروند و بصورت منجلاب تعفنی
درآمده است که عالم را از بوی کره خود شمشیر
نموده است .

ولی ما که بامر باریک مؤمن و مامور با استفاده مشروع
از مواهب حیات هستیم نیایستی از لذت مطالعه
و تتبع و تحقیق ما یوس و محرم گردیم باید همانطور
که همیشه در باره دوستان خود تحقیق میکنیم در
باره کتب مفید و خوب تحقیق کنیم تارفته رفته
ذوق کتاب شناسی که خود هنری است در ماتفسویت
شود و بتوانیم کتب مفید و خوب را از کتب مضر و بد
تشخیص دهیم و از لذت مطالعه مفید و صحیح
بهره ببریم .

با یان

بیند چه یعقوبها بیند که در طلب یوسف آواره -
مانده اند عالی حبیب بیند که در طلب محبوب
دوانند و جهانی عاشق ملاحظه کند که در پی
معشوق روان و در ره رانی امری مشاهده کند و در
هر ساعتی بر سری مالم گردد زیرا که دل از هر
دو جهان برداشته و عنم کعبه جانان نموده و در
هر قدمی اعانت غیبی او را شاه لشود و جوش طلبش -
زیاده گردد طلب را باید از مجنون عشق اندازد
گرفت حکایت کنند که روزی مجنون را دیدند خاک -
بی بیخت و اشک میریخت گفتند چه میکنی گفت لیلی
را میجویم گفتند وای بر تو لیلی از روح پاک و تسو
از خاک طلب میکنی گفت همه جاد را طلبش میکوشم
شاید در جانی بجویم . بلی در تراب رب الارباب
جستن اگر چه نزد عاقل قبیح است لکن بر کمال
جد و طلب دلیل است من طلب شیئا و جد و جد -
طالب صادق جز وصال مطلوب چیزی نجوید و حبیب
را جز وصال محبوب مقصودی نباشد و این طلب طالب
را حاصل نشود مگر بنثار آنچه هست یعنی آنچه
دیده و شنیده و فهمیده همه را بنفی لامنفی
سازد تا بشهرستان جان که مدینه الاست واصل
شود همتی باید تا در طلبش کوشیم و جهدی باید
تا از شهد وصلش نوشیم اگر از این جام نوش کنیم عالی
فراموش کنیم و سالک در این سفر بر هر خاکی جالس -
شود و در ره بلادی ساکن گردد از هر وجهی طلب جمال
دوست کند و در هر د یار طلب یار نماید با هر جمعیتی
مجمع شود و با هر سری همسری نماید که شاید در سری
سر محبوب بیند و یا از صورتی جمال محبوب مشاهده
کند

بقیه (غذای روح) او ص ۶۸

غرائز جوانی جوانان را تحریک میکنند و آنانرا
به پرتگاه انحراف و فساد اخلاق میکشاند .



لجنة جوانان شيشوان (آذربايجان)

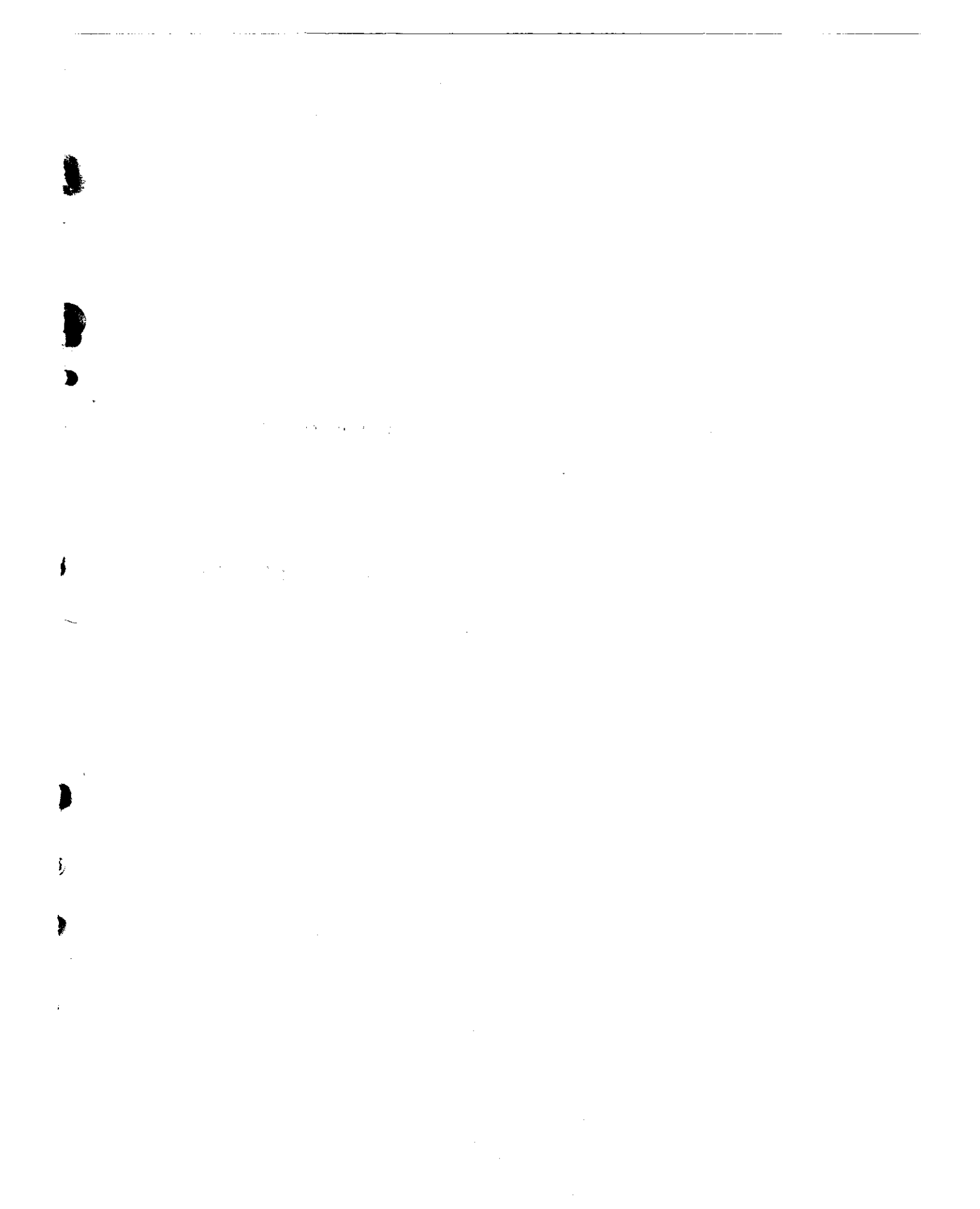
۱۱۷ بدیع



لجنة جوانان بهائی سنندج - ۱۱۷ بدیع



جمعی از جوانان بهائی سنندج در سال ۱۱۷ بدیع



ایادی امرالله

حارسان مدینیت جهانی حضرت بهاء الله

ب . ف . ه

چون با توجه با اهمیت و مقامی که مو^ه سسه ایادی امرالله در موقعیت کنونی در دنیای جهانی بهائوسی داراست و با در نظر گرفتن وظایف خطیره ای که حضرت ولی مقدس امرالله ارواحنا لقراب مرقدہ القدا^ه بعهده این مو^ه سسه روحانی محول فرموده اند شایسته است که احبای الهی علی الخصوص جوانان عزیز بقدر لزوم با این مشروع جلیل آشنائی حاصل نمایند آهنگ بدیع بمنظور آشنائی خوانندگان عزیز با این مو^ه سسه رفیعه شرح مختصر ذیل را بعنوان مقدمه در اختیار آنان میگذارد و از این پس نیز سعی خواهد نمود که در هر شماره دوستان عزیز را بشرح مجملی از حیات و خدمات روحانیه یکی دو نفر از حضرات ایادی امرالله علیهم بهاء^ه الله آشنا نماید .

طبق بیان مبارک حضرت ولی امرالله در تلگراف مبارک مورخه ۵ آوریل ۱۹۵۴ مو^ه سسه ایادی امرالله از طرف حضرت بهاء^ه الله نیز مورد اشاره قرار گرفته است .

جمال مبارک جل نثانه در ایلم اشراق شمس حقیقت چند نفر از مبلغین امرالله و ناشرین نفعات الله را برای انجام خدمات مخصوصه تعیین و آنان را بلقب ایادی امرالله ملقب فرمودند که از جمله آن نفوس محترمه بشهادت بیان مبارک حضرت عبدالبهاء^ه در تذکره الوفا و سایر آثار مبارکه جناب حاج ملاعلی اکبر شهسپرزادی - جناب میرزا علی محمد ابن اصدق خراسانی - جناب آقا محمد قائمی (نبیل اکبر) جناب شیخ محمد رضای پردی - جناب آقا میرزا امروقای شهید - جناب میرزا محمد تقی ابهری (ابن ابهر) را میتوان نام برد .

بعلاوه نفوس محترمی از احبای عزیز و جانفشان نیز نموده اند که در دوره ولایت امر بواسطه ابراز خدمات باهره پس از صعودشان از طرف حضرت ولی امرالله بلقب پرافتخار ایادی امرالله ملقب گردیده اند که از جمله این نفوس مخلصه میتوان جناب دکتر اسلمنت (۱) امه الله میسرمارثروت (۲) امه الله میس کهلر (۳) جناب میرزا عبد الله مطلق (۴) را میتوان نام برد که انشاء الله بتدریج و باجمال به شرح حیات و خدمات هر یک از ایشان اشاره خواهد شد .

حضرت عبدالبهاء^ه جل نثانه در الواح مقدسه وصایا کیفیت تشکیل مو^ه سسه ایادی امرالله را تبیین و وظایف اساسیه حضرات ایادی امرالله را چنین تعیین فرمودند :

" ای پاران ایادی امرالله را باید ولی امرالله تسمیه و تعیین کند . . . و وظیفه ایادی امرالله نشر "
 (۱) تلگراف مبارک مندرج در آهنگ بدیع سال هشتم صفحه ۱۹۱ (۲) تلگراف مبارک مندرج در جلد نائسی رحیق مختم صفحه ۸۷۳ (۳) تلگراف مبارک مندرج در آهنگ بدیع سال هشتم صفحه ۱۴۰ (۴) توقیع مبارک حضرت ولی امرالله مندرج در جلد چهارم مصابیح هدایت

آهنگ بدیع

نفحات الله و تربیت نفوس و در تعلیم ظم و تحسین اخلاق عمم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئونست. . . . و این مجمع ایادی در تحت اداره ولی امرالله است که باید آنان را دائما بسعی و کوشش و جهد در نشر نفحات الله و هدایت من علی الارض بگمارد . . .

و بالاخره حضرت ولی مقدس امرالله در او اغوا ایم بارک بر طبق مندرجات الواح مقدسه وصایا به تعیین و تسمیه ایادی امرالله اقدام و مشروع بدیعی بر مشروعات عظیمه سابقه افزودند .
بشارت تا سیس مو سسه ایادی امرالله در دسامبر ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب باهل بهادر - سراسر عالم بهائی چنین ابلاغ گردید :

" . . . اکنون وقت آن رسیده که . . . موضوعی که اضطرار آمدتی بتعمیق افتاده بود بمرحله عمل درآید و آن تعیین ایادی امرالله بر طبق نصوص الواح وصایای حضرت عبدالجهاست . . . این مشروع جدیدالتا سیس حلقه اتصال دیگری برای تحکیم روابط مرکز دائم الاتساع بین الطلی امرالله با جامعه بیروان اسم اعظم در سراسر عالم است و راه را برای مبادرت با اقدامات دیگر بمنظور تقویت اساس نظم اداری بهائی هموار میسازد . . . و نیز در تلگراف منیع مبارک مورخ ۵ آوریل ۱۹۵۴ در تبیین عظمت و اهمیت این مشروع خطیر چنین میفرمایند . . .
" ظهور و پیشرفت مو سسه ایادی امرالله در سالهای اولیه عهد ثانی عصر تکوین دور بهائی مایه شکرانه و سرور است این مو سسه از طرف شارع آئین الهی بدان اشاره شده و مرکز میناق در الواح وصایا آنرا ساتا سیس فرموده اند و بر طبق نصوص مندرجه در الواح مذکور ارتباط کامل با مو سسه ولایت امرالله دارد و باید در میقت معین تحت توجه و هدایت ولی امرالله دو وظیفه مقدسه صیانت و انتشار امر حضرت بها الله را ایفا نماید . . .
تسمیه ایادی امرالله عظیم بها الله در سه مرحله انجام گرفت بدین معنی که هیکل مبارک بد و اضمن صدر تلگراف منیع مبارک ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ دوازده نفر نفوس مو نه مخلصه را از شرق و غرب عالم بشرح ذیل بایسن افتخار مفتخر فرمودند :

- | | |
|--|--|
| <p>Wm. Sutherland Maxwell از ارض اقدس
Charles Mason Remey از ارض اقدس
Mrs. Amelia E. Collins
از مهد امرالله
از مهد امرالله</p> | <p>۱- جناب ویلیام سادرلند ماکسول
۲- میسن ری
۳- امه الله امیلیا کالینز
۴- جناب ولی الله ورقا
۵- جناب طراز الله سمندری
۶- جناب علی اکبر فروتن
۷- جناب لروی ایواس
۸- جناب هوراس هولی
۹- امه الله دروتی بیکر
۱۰- جناب یوکوجیاگیری
۱۱- جناب جرج تاونزند
۱۲- جناب هرمان گروسمن</p> |
| <p>از ایالات متحده امریکا
از قاره اروپا
از ایالات متحده امریکا
از قاره اروپا
" "
" "
" "
" "</p> | <p>Leroy C. Ioas
Horace Holley
Mrs. Dorothy Baker
Ugo Giachery
George Townshed
Hermann Grossmann</p> |

آهنگ بدیع

بعد از فوریه سال ۱۹۵۲ حضرت ولی امرالله هفت نفر دیگر را باین سمت برگزیدند که عبارت بودند از:

- | | | |
|----------------|-----------------------|-------------------------|
| از کانادا | Fred Schopflecher | ۱- جناب فرد شافلاخر |
| از امریکا : | Mrs. Corinne True | ۲- امة الله كورین ترو |
| از مهد امرالله | " | ۳- جناب ذکراالله خادم |
| " | " | ۴- جناب شعاع الله علائی |
| از آلمان | Adelbert Muhlschlegel | ۵- جناب آدلبرت مولشلگل |
| از افریقا | " | ۶- جناب موسی بنانی |
| از استرالیا | Mrs. Clara Dunn | ۷- امة الله کلارادان - |

وبالاخره در اکتبر سال ۱۹۵۷ ضمن تفویض وظیفه مهمه حفظ و صیانت جامعه بهائی باین موه سه جلیله هشت نفر دیگر از یاران خدمت را باین سمت انتخاب و اعلان فرمودند این نفوس باخیره عبارت بودند از:

- | | | |
|-----------------------|---|--------------------------------|
| از قاره افریقا | " | ۱- جناب ایناک اولینگا |
| " | " | ۲- جناب ویلیام سیرز |
| " | " | ۳- جناب جان ربارتس |
| از بریتانیا | " | ۴- جناب حسن موقرافنان بالیسوزی |
| " | " | ۵- جناب جان فرابی |
| از منطقه اقیانوس آرام | " | ۶- جناب کالیس فدرستون |
| " | " | ۷- جناب دکتر رحمت الله مهاجر |
| از شبه جزیره عربستان | " | ۸- جناب ابوالقاسم نینی |

پنج نفر از ۲۷ نفر ایادی امرالله پس از انتصاب بسمت ایادی امرالله وانجام خدمات پراچ و بهادر ایلم حیات مبارک بطکوت ابهی صعود نمودند اند این نفوس محترمه متصاعده عبارت بوده اند . جناب ماکسول - جناب جرج تاونزند - جناب ولی الله ورقا و امة الله دروتی بیکر و جناب فرد شافلاخر - میکل مبارک پس از صعود نفوس مذکوره امة البها حضرت روحیه خانم - جناب علی محمد ورقا - جناب جلال خاضع جناب بول منی و امة الله الکساندر انگزرا به ترتیب از ارشاد سر کشور همدس ایران و امریکا و ژاپن بسمت ایادی امرالله تعیین و ابلاغ فرمودند .

پس از صعود مولای عزیز و حنون نیزد و نغز از حضرات ایادی امرالله جناب هوراس هولی و امة الله کلارادان از عالم فنا بعالم بقاعروج نموده و میسن ربی نیز بملت انحراف و بیوفائی نسبت به نصوص مبارکه الواح مقدسه وصایا خود را از این افتخار محرم و از جمع ایادی طرد گردید .

بدین ترتیب ملاحظه میشود که جمعا ۳۲ نفر در ایلم حیات مبارک حضرت ولی امرالله بسمت ایادی تعیین گردیده اند که در حال حاضر ۲۴ نفر از آنان بعنوان حارسان مدنیته جهانی حضرت بها' الله در اقالارو اکافی عالم به اجرای نوایای مقدسه الهیه مامور و ما' لوفند .

طبق بیان حضرت ولی امرالله این حضرات ایادی از پنج قاره علم و نژاد سیاه و سفید همد و انتخاب شده اند و نسبت آنان بسه دیانت بزرگ عالم (مسیحی - یهودی - اسلام) و وثنیه میرسد و این خود رمزی از وحدت

(بقیه در ص ۲۰)

علم و دین

خلاصه شماره های قبلی

- درد و شماره گذشته باجمال مطالب ذیل مورد ملاحظه قرار گرفت :
- ۱- بعضی از نفوس در اثر عدم توجه بفحاهم حقیقی دین و علم و عقل تصور میکنند که بین این ساین وجود دارد .
 - ۲- توجه بفحاهم واقعی دین و علم و عقل نشان می دهد که نه فقط بین آنها تقادى موجود نیست بلکه هر سه طرقت هستند برای نیل بشر بسوى حقیقت و کمال انسانی
 - ۳- دین باید مطابق علم و عقل باشد و در غیر این صورت عبارت از جهل است .
 - ۴- علم نیز باید توأم با اصول اخلاقی و الهی مورد استفاده قرار گیرد زیرا اولاً علم زائیده افکار بشری بوده و همواره در معرض خطا و اشتباه است ثانیاً علم هر اندازه کامل باشد برای حل کلیه معضلات عالم انسانی کافی نیست ثالثاً اگر علم در ظل دیانت نباشد ممکن است مورد سوء استفاده قرار گرفته موجب بدبختی برای اهل عالم گردد .
 - ۵- عقل نیز باید پیروی موازین دینی نماید زیرا عقل تنها بدون نظارت دین ممکن است انسان را از طریق اخلاق و روحانیات منحرف نماید .
 - ۶- در گفتارها و نوشتهجات علمای مغرب زمین نیز لزوم توافق بین علم و دین و عقل و عدم توانائی علم در حل معضلات بشری مورد اعتراف قرار گرفته است .
 - ۷- ما حاصل کلام اینکه تطابق دین و علم و عقل کاملاً ضروری و فقط در صورت حصول آن توافق است که نوع انسان بتواند بسوى هدف نهائی که عبارت از فضیلت و کمال انسانی است رهبری شود .

علل جدائی فعلی بین دین و علم

اکنون که توافق دین با علم کاملاً روشن گردید باید دید علت اشاعه اختلاف بین دین و علم از کجا ناشی و این شکاف عمیق از کی حادث گردیده است .

هر چند این اختلاف از زمان قدیم هم وجود داشته ولی در تاریخ جدید علل و عوامل این جدائی چندین بیان گردیده که نفاق و نزاع بین علم و دین از زمان توسعه و رسمیت شریعت مسیحی و تسلط علمای عیسوی بر افکار و اذهان نفوس حادث گردیده و روز بروز این اختلاف شدیدتر و این شکاف عمیق تر شده است .

باقوال اکثر مورخین علل و موجبات این نفاق اجمالاً بقرار ذیل بوده است :

۴- تا سیس محکمه های انکیزیسیون که در قرون وسطی از طرف علمای دین تشکیل و مسخرعین و مکشیفین را محاکمه و مجازات میکردند و کیفیت این محاکمه و شدت مجازاتها در تاریخ مندرج است. گذشته از علل فوق موجب دیگری نیز در اثر سیس و ترقی علم باعث شده که توجه نفوس از دین منحرف و بعلم معطوف گردد که اهم آنها را اینقرار است:

۱- ترقیات روز افزون در زمینه علم و بوجود آمدن معلومات جدیده برخی از نفوس را بر آن داشته که این معلومات علمی را کامل دانسته و آنها را میسران برای درک حقایق روحانی قرار دهند در حالیکه در قسمت های قدما تری این بحث روشن ساختیم که اولاً اکثر مسائل علمی امروزه در مرحله فرضیه و تصور میباشد و در ثانی علم در صورت کمال نیز نمیتواند از همه جنبه ها مخصوصاً جنبه های روحانی مشاکل انسان را حل کند.

۲- یکی دیگر از علل توجه نفوس از دین بعلم اینست که با اعتقاد مردم علم مسائل تازه و مطالب بدیعی برای آنان بارمغان آورده است و هر روز کشف تازه و اختراع جدیدی ب مردم اعلان میشود و وسایل عجیبه بدیعه در اختیار مردم قرار میگیرد و در مقابل این همه چیزهای بدع و تازه مبانی دینی در انظار نفوس اصول کهنه و پیوسیده ای جلوه میکند و بطور خلاصه باید گفت که دانش بدستاری تنوع و تجدد سریعی که از خود نشان میدهد از همان مردم را از دین بسوی خود معطوف ساخته است.

۳- دیگر از علل و انحراف نفوس از مسائل دینی اینست که تا زمان توسعه علم و اکتشافات جدیده پیشگویی ها و نبواتی که در ادیان الهیه و کتب مقدسه راجع باینده وارد شده در مردم یکسوع حق اعجاب و احترامی نسبت بادیان ایجاد میکرد

۱- عدم توافق بعضی از مندرجات کتب مقدسه باموازین علم موجوده/ بعضی از علما و نویسندگان در آثار خود چنین نگاشته اند که برخی از مطالب مندرجه در کتب دینی با اصول علمی مطابقت ندارد و در این مورد مسائلی مانند خلقت عالم در طی شش روز و چگونگی آفرینش آدم و حوا و ظلمت شمس و قمر و سقوط ستارگان و کیفیت رجعت مسیح را مورد اشاره قرار داده و آنها را مباین و مخالف علم قلمداد نموده اند.

۲- وارد شدن اجتهاد باطله و عقاید خرافیه بوسیله علمای ادیان در از زمان و افواه بیسروان شرایع الهیه که بهیچوجه با اصول علمی منطبق نبوده و باعث انحراف نفوس از اصول و مبادی اساسی ادیان گردیده است.

۳- مخالفت و ضدیت علمای دین با دانشندان و انتشار افکار و عقاید جدیده بشهادت صفحات تاریخ در گذشته ایام علی الخصوص در دوره تسلط کلیساهای مسیحی علمای دین همواره با نشر علم جدیده و افکار تازه مخالفت نموده و حتی صاحبان آراء و نظریات بدیعه را بکمال بیرحمی و قساوت مورد ایذاء و اذیت قرار داده اند فی المثل گالیله منجم و فیزیک دان معروف ایتالیائی وقتی صنعت تلکسکوپ را تکمیل و بوسیله آن کشفیات تازه ای را در علم نجوم اعلان و اظهار نظر نمود که زمین بدور آفتاب میگردد بشدتی مورد تعقیب ره سای کلیسا قرار گرفت که در موقع محاکمه ناگزیر از انکار آنها گردید و یا مثلاً کوپرنیک عالم معروف وقتی نظریات خود را در مورد حرکت دورانی کرات سماوی منتشر ساخت بسا نهایت شدت مورد مخالفت و تعقیب ره سای دین واقع شد و این اقدامات خود باعث اولاً رکود پیشرفت علم و دانش گردیده و ثانیاً موجبات تنفر نفوس متفکره و ارباب علم و هنر را از دین فراهم ساخت.

ولی این اعجاب و احترام بر اثر پیشگوئی‌هایی که علم برا شریبشرف و ترقی خود از اوضاع آینده اعلان و باثبات رسانیده، تقلیل یافت و مردم آن چیزی را که نشانه قدرت در ادیان میدانستند در علم نیز مشاهده نمودند لهذا پیشگوئی‌های دانش در انظار نفوس اهمیت پیشگوئی‌های دینی را تحت الشعاع خود قرارداد.

۴ - مسئله دیگر که باعث شده انظار نفوس از دین بعلم منحرف شود اینست که معجزاتی که علم از خود بظهور رسانده معجزات مرویه از ادیان را تحت الشعاع خود قرارداد است. اینها بود علل و موجبات توجه نفوس از دین بعلم و تاریخ بین علم و دین.

ولی اگر دقیقانه و منصفانه این علل و موجبات را - ملاحظه کنیم ملاحظه خواهیم کرد که هیچیک از آنها نباید محرک مخالفت و ضدیت با اساس ادیان الهیه گردد چه اگر مثلاً عدم انطباق آیات کتب مقدسه را با موازین علمی در نظر بگیریم کافیست بدین نکته توجه نمائیم که آیات مندرجه در کتب مقدسه دو قسم است: قسمی آیات حکمت و قسم دیگر آیات مشابهات میباشد و این نوع آیات نیز که مورد استناد در این زمینه قرار میگیرد در زمره آیات مشابهات واقعند و دارای معانی ظاهری نبوده بلکه حائز مفاهیم روحانی میباشد که در قالب تشبیه و استعاره بیان گردیده اند و مائظایر این قبیل تشبیهات و استعارات را در کتب ادبیه ادیان و دواوین شعریه شعرائز بکرات و مرات خواننده و حتی زانها تمجید و تحسین نموده ایم پس چگونه از ورود این تشبیهات و استعارات در کتب مقدسه انبیا اظهار تعجب و انتقاد نمائیم علی الخصوص که در این دور اعظم کلیه معانی و مفاهیم روحانی از آیات مقدسه تشریح و تبیین

گردیده حضرت بهاء الله بانزول کتاب مستطاب ایقان و حضرت عبدالبهاء با صدور مفروضات مبارکه پرده از روی کلیه محضلات کتب مقدسه برداشته اند و در حقیقت این دو اثر مقدس و نفیس علاوه بر دارا بودن مطالب عالییه بمنزله مفتاح و قاموس کلیه کتب مقدسه میباشد پس ملاحظه میشود آنچه آنچنان که القاء نموده اند این کلمات و آیات مقدسه مندرجه در کتب آسمانی مخالف و مباین با علم نبوده بلکه دارای معانی باطنی و مفاهیم روحانی میباشد بعلاوه اگر در کتب مقدسه موردی یافت شود که مخالف علم جلوه نماید خطا و اشتباه را باید توجه علم نموده دین را چه بسا مسائل علمیه و حکمییه در کتب مقدسه بیان شده که در زمان خود کاملاً با آداب و اصول موضوعه و معتقدات نفوس مباین بوده ولی گذشت ایام و ترقی علم و فتون پس از قرن‌ها صحت و اعتبار آنها را اثبات و تصدیق نموده است چنانکه همانطوریکه همه میدانیم در قرآن آیاتی نازل شده که مخالف آراء و نظرات علما و ریاضیون آن عصر بوده آن زمان چنان تصور نمودند که این آیات مخالف صریح علم و دانش است ولی پس از تحقیق و ترقی در علم و کشف آلات راصده واضح و مشهود شد که نص قرآن کاملاً مطابق واقع بوده و علمای آن زمان بواسطه محدود بودن آن خود حمل بر نقص کلمات الهیه مینمودند

و نیز او علم و خوافاتی را که بمرور ایام در ادیان وارد شده نباید میزان قرارداد چه این ابداعات و اجتهادات ادنی ارتباطی با اساس ادیان الهیه ندارند و در اساس هیچیک از ادیان الهی مطلبی نمیتوان یافت که مخالف علم باشد و همچنین آزار و اذیتی را که از جانب رؤسا و علمای دینی برداشتمندان وارد آمده نباید بحساب خود ادیان گذاشته هیچیک از ادیان الهیه نه فقط

مخالف علم و علمان بوده بلکه مقام علم و مرتبه علماء دانشمندان در کلیه ادیان مورد تکریم و تحسین و تمجید بوده است.

مطالعه تاریخ ادیان از یکطرف و بررسی پیشرفت‌ها علمی از طرف دیگر نشان می‌دهد که کلیه پیشرفت‌های علم مقارن و مصادف با ظهور ادیان الهیه بوده و در حقیقت ادیان الهی پیشروان علم و دانش و وسایل توسعه و انتشار علم و فنون بوده اند در تعلم کتب آسمانی فضیلت علم و دانش مورد اشاره قرار گرفته و نیز مقام علم و مرتبه علماء دانشمندان کاملاً بتصریح مذکور گردیده. کلیه شرایع الهی بیروان خود را بتحصیل علم و فنون بکمال صراحت تشویق و تحریص نموده اند و نیز مراتب و مقامات دانشمندان حقیقی راستوده و نفوس را به تعظیم و تکریم ارباب علوم دلالت کرده اند و تاریخ نیز نشان می‌دهد که نندن ها و ترقیات علمی زائیده ادیان الهیه بوده و در ظل ادیان پرورش یافته بتکامل رسیده اند.

اقوام بنی اسرائیل تا قبل از ظهور حضرت موسی و پیش از پیدایش شریعت موسی در نهایت جهالت و ضلالت بودند ولی پس از استظلال در ظل شریعت حضرت موسی به ترقیات بی اندازه در علم و فنون مختلفه نائل شدند.

حضرت عبدالبها در ضمن یکی از الواح مقدسه باین مسئله چنین اشاره فرموده اند:

"..... همچنین ملاحظه نمائید که قوم اسرائیل در بلاد مصر در نهایت ذلت و اسیری بودند و در صحرای جهل و نادانی سرگردان چون حضرت کلیم مهتدی بنور موقده الهی گشت و از ضلالت طوری که نور مشاهده فرمود به هدایت اسرائیلی برخاست آن قوم سرگشته و سرگردان و اسیر ظلم ستمگران و مخمود و محروم از جمیع علم و فنون را بارض مقدسه کشانید. و تا سیرابین الکریمود و بنصایح

پرداخت و وصایای الهی مجری داشت در اندک زمانی اسرائیل در جمیع علوم و فنون ترقی نموده و آوازه اسرائیل بشرق و غرب رسید و حیست ادانای اقالیم عالم را بجهت در آورد حتی فلاسفه یونان آگری مانند سقراط و فیثاغورث بارض مقدس شتافتند و از اسرائیل تحصیل علم و فنون نمودند و بیاد یونان شتافتند یونانیان را دانا کردند و از خواب غفلت بیدار نمودند این بود که فلاسفه یونان در علم و فنون آن صیت و شهرت یافتند....."

حضرت عبدالبها در رساله مبارکه مدنیه نیز باین نکته اشاره میفرمایند:

"... بنی اسرائیل در این حال بر ملال تا کمال جمال موسوی اشعه ناراحدیه را از شطر و اری این بقعه مبارکه مشاهده فرمودند... و به نبوت کلیه مبعوث گشتند... و بنور هدی آن گمشدگان ظلمات جهل بر سبیل مستقیم علم و کمال دلالت فرمودند... و این طایفه در جمیع شئون و صفات و فضائل انسانیه از علم و معرفت... بر کمال قبائل و ملل عالم تفوق نمودند... و در تواریخ متعدده مذکور که فلاسفه یونان مثل فیثاغورث اکثر مسائل حکمت الهیه و طبیعه را از تلامذه حضرت سلیمان اقتباس نمود."

همچنین وقتی بتاریخ تمدن در قرون وسطی مراجعه میکنیم میبینیم بشهادت تاریخ تمدن و تاریخ علم تا زمان ظهور مسیحیت علم و دانش بمعنای امروزی وجود نداشته است مسیحیان بمتابعت از وصایای حضرت مسیح شروع بتأسیس مدارس و آموزشگاهها نمودند و بعد ا نیز کلیساهای انجیلی که قدرت و نفوذ زیادی در نفوس پیدا کرده بودند و سایر موه نری برای تعمیم علم گردیدند تا حدی که در قرون وسطی دخالت و اظهار نظر در مسائل علمی

آهنگ بدیع

تقریباً منحصره دیرها و کلیساهای مسیحی گردیده و بنا بقول نویسنده امریکائی جان الار " در میان صد هاپوائف و قبایل مختلف استوار شدن اساس دانش باگشایش نخستین آموزشگاه و تهیه نخستین کتاب تماماً نتیجه مستقیم تعلیم مسیح بوده است که فرمود (بروید و تعلیم دهید)"

و نیز تاریخ تمدن اسلام کاملاً نشان میدهد که اعراب پیش از ظهور دین اسلام در نهایت جبل بلکه توحش بودند ولی در اثر تعالیم واحکام شریعت حضرت محمد به چنان ترقیاتی در علم و فنون رسیدند که توانستند در قلب اروپا تا سیس صدیت علمی نمایند حتی بطوریکه اکثر مورخین معتقدند و حضرت عبدالبهاء نیز در رساله مدنیه تأیید فرموده اند تمدن اروپا مقتبس از اسلام میباشد .

حضرت عبدالبهادر بیان این حقیقت چنین میفرمایند :
 " . . . چون جمال محمدی از افق یسرب و بطحا جلوه نمود این امر چنان قدرت و قوتی بنمود که در اندک زمانی این اقوام جاهله در جمیع علوم و فنون سر حلقه دانایان شدند و نواقص علم و فنون فیلسوفان را اکمال نمودند و همچنین در جمیع مراتب ترقی باوج اعلی رسیدند چنانکه بغداد مرکز علم شد و بخارا مصدر فنون گشت و علم چنان رایجی در اندلس بلند نمود که جمیع دانایان اروپا در مدارس قرطبه و کورد خان آمده اقتباس انوار علم را از مشگاه مدارس اسلام مینمودند . . . "

این بود شواهد مختصره از ترقیات سریع علم و فنون در ظل شرایع مقدسه و تاثیرات ادیان الهیه در پیشرفت علم و فنون و تربیت عباد و نفوس در ایام ماضیه و ادوار سالک .

و اما در این عصر نورانی ملاحظه میکنیم که در متون تعالیم مقدسه شریعت بهائی مخصوصاً

جمیع وسائل توسعه دایره علم و دانش پیش بینی گردیده و بصراحت بیان گشته امر تعلیم و تربیت نه اختیاری بلکه اجباری شمرده شده و این امر نه فقط در میان پسران و بلکه در بین دختران نیز تعمیم یافته است . تحصیل علم و فنون عصریه توصیه گردیده و تا سیس مدارس و مکاتب بهائی پیش بینی شده است . فضیلت علم و صنعت بصراحت تمام در کتاب الهی مذکور گردیده . و مقام و مرتبت علما کاملاً تبیین و لزوم تکریم و تعظیم آنان جزو فرایض هر فرد بهائی منظور گردیده . تا سیس دارالعلم هادرجوار مشارق اذکار بشارت داده . شده و بالاخره قاطبه اهل بهائز پیر و برنا ماه مور تحری حقایق اشیا گردیده اند .

از طرف دیگر کلیه موانع موجوده در راه علم در این دوره قدس از بین برداشته شده و حجاب بین دین و علم برای همیشه خرق گردیده تعصبات مختلفه که از موانع مهمه در سبیل توسعه علم و فنون بوده نپه گردیده هم اعتبار روایات بیان و باب اجتهاد و تاویل کامل مسدود شده و خرافات و اوهمام از قلوب مؤمنین زائل گردیده . لزوم معاشرت با جمیع اقوام و ملل سفارش شده و وحدت خط و لسان برای رفع موانع موجوده در راه تعلیم علم تا سیس گشته و نظایر این تعالیم مبارکه که اگر یکایک شمرده شود موجب تطویل مقال میگردد .

با ماالعه اجمالی ترقیات علمیه که در ظل ادیان سالقه بظهور رسید ، و با توجه بوسایل مهمه ای که دیانت بهائی جهت پیشرفت علم دستور داده . باسانی توان قیاس نمود که در مستقبل ایام در پرتو انوار مستقیم اشعه ساطعه از شمس حقیقت توسعه علم و فنون بجه کیفیت خواهد بود و صیت علم و دانائی اهل بهائ چگونه باوج فلک انیر خواهد رسید .

اینست که وقتی شرح احوال زندگانی و فلسفه بانیان علم و مخترعین و مکتشفین را مطالعه میکنیم بایسن مسئله بی میبریم که اگر آنان در زمره موحدین و مبالغین بوده اند و خود آنان نیز ابداعات و اکتشافات خورا مرمون ایمان و عرفان خود دانسته در آثار خویش باین نکته اعتراف نموده اند و حتی برخی اینطور اظهار نظر کرده اند که منشاء - اکتشافات مخترعین و مکتشفین و مبدا الهام مو سسین ادیان مشابه بوده و هر دو از آن قسوه خارق العاده واحده مستفیضه دانشندان ثانی نظیر - نیوتون - پاسکال - ارسطو - کانت - کارت - لامارک - داروین - پاستور - بطوریکه از آثارشان برمیاید همگی خدا شناس و متدین بوده اند . برعکس در بین علمای مادی نفوس کمتری توان یافت که موفق باختراع و کشف تازه شده باشند و این مسئله بقدری مسلم شد که لانگه که خود در زمره علمای مادی قرن ۱۹ محسوب و تاریخ ماتریالیسیم را برشته تحریر آورده نتوانسته از اعتراف باین نکته خودداری نماید و چنین نوشته است .

" بزحمت میتوان یک نفر از مخترعین بزرگ و محققین طبیعت را یافت که صریحا متعلق بمکتب مادی باشد " بعلاوه اثستن بزرگترین متفکر عصر حاضر در موارد عدیده باین مسئله اشعاره نموده است از جمله در یکی از نوشتجات خویش میگوید .

" حس دیانت جهانی قوی ترین و شریف ترین محرک درونی تحقیقات علمی است ."

و در جای دیگر میگوید . " بد شواری میتوانید ببیدان کنید کسی در بین افکار علمی عمیق که دارای احساسا مذهبی خاص بخود نباشد ."

همچنین فیژیک دان عصر حاضر (ماکس بلانک) چنین نوشته است .

(بقیه در صفحه ۸۹)

در حال حاضر نیز اثرات غیر مستقیم این شمس حقیقت در عالم علم و صنایع بر متفکرین و منصفین کاملا واضح و آشکار است امروزه روشن شده که سرعت ترقی و تکامل علم و دانش در یک قرن اخیر که به صاف با ظهور امریهائی بوده نسبت بقرون گذشته هیچ قابل قیاس نمیشد و تعداد اختراعات و اکتشافاتی که تا قبل از قرن اخیر شده بود در برابر اختراعات و اکتشافات قرن اخیر بسیار ناچیز و قلییل بوده است بعضی مصنفین حتی این حقیقت را برقم و آمار نیز نشان داده اند و اگر بیم از تطویل مقال نبود عینا آن ارقام را در اینجا نقل مینمود ولی بجهت رعایت اختصار فقط اجمالا اشاره میشود که فی المثل تلگراف در سال ۱۸۴۴ توربین بخار ۱۸۸۸ - چرخ خیاطی در ۱۸۴۶ - ماشین تحریر در ۱۸۶۸ - تلفن در ۱۸۷۶ - ضبط صوت در ۱۸۷۷ - زلزله سنج در ۱۸۸۰ - تلگراف بیسیم در ۱۸۹۰ - دوربین سینما در ۱۸۹۰ و هواپیمادرسال ۱۹۰۳ اختراع شده است .

مطالعه این ارقام اجمالی که نشان میدهد تمام این اختراعات از سال ۱۸۴۴ به بعد انجام یافته حدیث مشهور شیعیان را بخاطر میاورد که در ظهور موعود اینطور مذکور است که علم بیست و هفت حرف است آنچه که از بدو تا ختم مظاهر الهیه ظاهر شدند و حرف آن را ظاهر کردند اما چون قائم موعود آید با تمام بیست و هفت حرف ظاهر شود . ذات اینست تا " نیرات انوار شمس حقیقت که از استعداد مکنونه در هیئت بشریه این ابداعات و اختراعات را بمیدان ظهور و بروز در آورده است .

باش تاصبح دولتش بدد

کین هنوز از نتایج سحر است

بانیان علم اکرا از موحدین و متدینین بوده اند .

نکته دیگری که در خاتمه مقال قابل ذکر است .

کنج وصال

عزیزالله مصباح

خوکرده چشم او همه ناز و عتاب را
جمعش به بیج و تاب زد دل برده تاب را
در آسمان دلبری آن روی همچو ماه
شید انموده بر رخ خود آفتاب را
روزشهد موقع بحث و دلیل نیست
ای شیخ در بیند سوال و جواب را
هرگز مرانصیب نباشد زوی طیب
ورنه نشانه بوی بود مشک تاب را
آهی اگر بصدق برآید ز سینه تی
سوژد بیک شراره هزاران حجاب را
کنج وصال زود نیاید بدست کس -
قیمت شناس این گهر دیر یاب -
کوته نظر به نعمت دنیا خورد فریب -
چون تشنه تی که آب شمارد سرا -
زین نکتة غافل تو که شد کاروان عمر
آخر دقیقه تی بنه از دیده خواب -
آن است آدی که طلبکار دانش است
ورنه برآدی است مزیت دوا -
ابرملا اگر افق دل فرا گرفت -
باران رحمت است ز بی این حساب را
شکوه مکن که عاشق صادق ز سوی دوست
جز جنت و نعم نه پیشد عذاب را
امروز زاهد اسریند فقیه نیست
رندان با برهنه و مست و خراب را
مصباح یک نفس منشین فارغ از طلب
زیرا که تشنه فهم کند قدر آب را

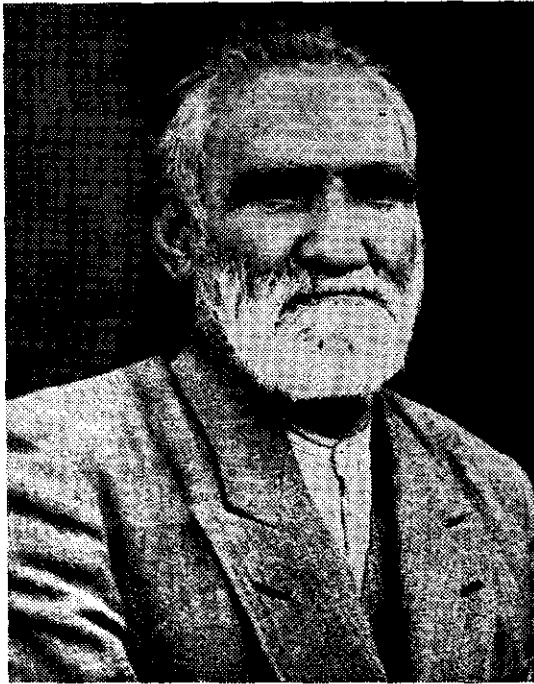
سلطان و کدا

ع - بشیر الهی

گرگانی بمثل دعوی سلطانی کرد
اهل دانش همه دانند که نادانی کرد
رحمت آرید بر آن مورکه از روی غرور
دعوی سلطنت و جاه سلیمانی کرد
شاهباز فلک قدس کجارت وجه بود
که مگس دل بهوس داد و پرافشانی کرد
هر کسی راهوس نام و مقامت ولی
نتوان دعوی هرامی آسانی کرد
غصن ممتازها بود که ایلم حیات
صرف در مصلحت عالم انسانی کرد
بهر ترویج و عمومیت آئین بها
برتر از آنچه بگویم من و میدانی کرد
عقل ماتست از این مدت کم و اینهمه کار
که قلم یا قدم شوقی ربانی کرد
در عمل داد نشان هفتاد سه نظم بدیع
که توان عالم ظلمتکده نوانسی کرد
گریش غافل از او ماند و مقامش شناخت
بینی آن روز که اظهار شیمانی کرد

مهرماه ۱۳۳۹

شرح حال جناب فاضل یزدی



جناب فاضل یزدی اسمت علی و نام خانوادگیش معازی بود .
 است در سال ۱۲۹۰ هجری قمری در توندوشن یزد بدنی
 آمده و پس از آموختن خط و سواد فارسی برای تحصیل
 معارف اسلامی باصفهان رفته در همانجا تا اهل گردیده
 است چند سال بعد بقصد ملاقات اقوام به نرووشن میرود در
 همان اوقات طبیبی اهل تفت که برای معالجه توندوشن
 دعوت شده بود چون درک محضر فاضل را نموده و کلا تیش
 راهی بیند او را با خود به تفت میبرد تا در مسجدی که در محله
 خودشان واقع بوده است واعظ و پیشنما و گردد فاضل
 در تفت که قصبه ای از توابع یزد میباشد نزد سکنه اش
 بوفور دانش و حسن تقریر مشهور شد و با اینکه نسبت با امر
 مخالفی سرسخت بود ولی با دیدن یک کتاب ردیه در صدد
 تحقیق برمیآید و مو من میشود .

بعد از تصدیق بی پروا به تبلیغ امر مشغول گردیده در نتیجه عده ای از مردان که تقریباً بالغ بر پنجاه السی
 شصت نفر از زن و مرد می شدند بشرف ایمان موفق شدند ولی بیشتر آنان از اهل آن محله و سایر محلات تفت بضدیت
 و خصومت تیم کردند مخصوصاً خادم همان مسجد که ایشان پیشنمازان بودند چون مو ذن مسجد هم بود بعد از
 اذان اسم جناب فاضل و آواره و عبد الصمد شهید را لعن میکرد باین عبارت . بر فاضل ندوشنی لعنت . بر حاجی
 شیخ سررهی " آواره " لعنت بر صمد غیاث آبادی لعنت بر دین مبین محمد صلوات و علمای تفت و یزد عموم
 عرایض شکایت آمیز بر مرحوم جلال الدوله که حکمران یزد بود پی در پی نوشتند ایشان مرحوم فاضل را در شاه آباد
 که محل بیلاق و صیفیه حکام بود احضار کرد و مدت نه روز رنزد خویش نگاهداشت و بانواع مراحم و الطاف نوازش
 نمود و سفارش کرد که تا میتوانی اجزا مرا تبلیغ کن . اطرافیان چون ملاطفت حکمران را نسبت بجناب فاضل دیدند
 صبح و عصر اطراف او مجتمع شده و مصحبت های ایشان گوش میدادند و در نتیجه چند نفر از اجزا مقرب او
 تصدیق امر فائز شدند از آن جمله میرزا حسینعلی خان نائینی که متشی او بود و ملک قاسم میرزا از شاهزادگان و حاجی
 علی محمد خان شاطر باشی که نایب الحکومه تفت بود و چند نفر دیگر بعد از نه روز با انعلم و احترام امر بعودت
 ایشان به تفت صادر گردید .

پس از مراجعت چون اقامت در تفت برایشان دیگر ممکن نبود از طریق آباده باصفهان عزیمت نمود طولی
 نکشید که ضوضای یزد پیش آمد . باری در ایام عید رضوان همان سال بجانب طهران رهسپار گردید پس از آرامش
 ضوضای یزد مجدداً روانه یزد گردید پس از ورود یزد قصیده ای در مدح جلال الدوله انشاء نمود و غارت

آهنگ بدیع

خانه و فرار عیال خود را بسنان مرحوم گوشزد نمود در جواب گفته بود توقف فاضل در پرت مخالف مصلحت است و بحامل قصیده مرحوم حاجی سید میرزای افغان گفته بود اورا به بوانات نزد آقایان افغان بفرستید تا امنیت کامل حاصل شود باتفاق قافله که دوسه نفر از احباب در آن قافله بودند بشیراز رفته در کاروانسرای منزل کردند اتفاقاً روزی با مرحوم میرزا علی محمد روضه خوان که از فراریان اصفهان بود ملاقات میکند ایشان ورود فاضل را بمرحوم جعفر قلیخان معظم الملك میر پنج فوج فریدن اطلاع میدهد میر پنج فراشبانی خود را بکاروانسرا فرستاده و جناب فاضل با ائانه بیباغ جهان نما بردند و در معیت ایشان بشهرضا عزیمت نمودند از شهرضا با کسب اجازه از معظم الملك بقصد دیدار عیال خود که در جرقونیه چند فرسخی شهرضا بود میرود و بعد از مدتی اقامت حسب الوعدہ بمسزم ببارت و ملاقات معظم الملك بفریدن مسافرت مینماید موقعی بفریدن میرسد که معظم الملك با اخوانشان روضه خوانی داشته و مرحوم فاضل هنوز عماسه را تبدیل بکلاه نکرده بود با مرخوانین همه روزه بمنبر میرفتند سایر روضه خوانتها نظر با سترضای خاطر خوانین گفتند ماهمگی منبر خود را بفاضل تفویض میکنیم رفته رفته قضیه را با بن الذئب آقاجفی رسانیدند که خوانین فریدن مبلغ بهائی را آورده و علناً برر اسنا بر مردم را بدین بهائی تبلیغ میکند ولکن در مقابل نفوذ خوانین این سعایت و فساد تأثیری نداشت بعد از چندی اقامت از فریدن به نجف آباد میروند آن سال اشار شرارت را بحد کمال رسانیدند بودند شی مرحوم فاضل را از پشت بام هدف گلوله قرار میدهند ولی اصابت ننمود چون زمستان بایسان یافت از طریق اصفهان به یزد مراجعت نموده و در نشن وطن اصلی اقامت نمایند اهالی با آنکه

میدانستند که او بهائی است معیناً مصلحت را در تجاهر دیدند شرع اسلامی را با وسپردند و بامر و نهیها گردن نهادند چهار سال باین حال سپری گردید تا گسبان متوجه شد که بعلت دوری از جامعه امرچیزی نمانده است که چراغ ایمان در سراچه قلبش خاموش گردد لهذا از آن محل کسه برای جسمش راحت و برای روحش آفت بود بیسزد کوچیده رسماً در عداد مبلغین درآمد و تا آخر عمر یعنی تقریباً پنجاه سال در اطراف کشور ایران به تشویق یاران و تربیت جوانان و هدایت دیگران اشتغال ورزید و نفوس بسیاری را بسوچشمه حیات وارد نمود که از جمله آنان عده ای در حدود پنجاه شصت نفر از ازیان قریه کسه و طار از دهات نظفر میباشد.

فاضل طبع شعر هم داشت و گاهی غزل و قصیده بی سرود مقداری از شرح مسافرتهاى خود را بر وزن ابیات شاهنامه (بحر متقارب) بنظم در آورده است فاضل قاضی متوسط و اندامی درشت و رنگی سبزه داشت کلماتش شمرده و ادبی و انشایش سلیس و بلیغ و لهجه اش کتره یزدیها شباهت داشت.

تا لهفات ایشان عبارت است از کتاب «مطالع» الاحکام «گلزار حقیقت» و رساله ای موسوم برهنمای انصاف و رساله ای در درس تبلیغ که در جواب اعتراضات مسلمین مرقم فرموده اند.



احتفال روز نهمی بین المللی جوانان بهائی
آباده ۱۷ بدیع

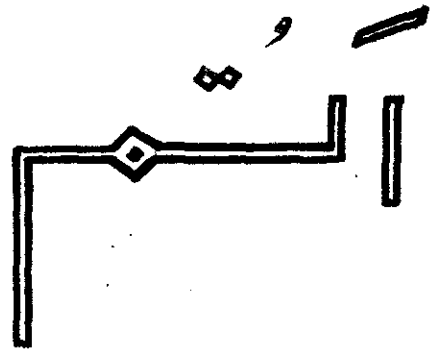


لجنه جوانان بهائی نی ریز - ۱۱۷ بدیع



نمایندگان انجمن شور روحانی جوانان قسمت امری یزد و اعضا لجنه
جوانان و کمیونتهای تابعه یزد - اول شهرالمسائل ۱۷ بدیع





ازآبادان - مهندس میرزا آقا مهانیان

دانشمندان اجسام مادیرا از اجتماع ذرات بسیارریز - (غیرقابل تقسیم) مجزی از یکدیگر تصور میکنند که بریکدیگر اثرات متقابل دارند - هر یک از این ذرات را مولکول MOLECULE نامند و این کوچکترین جزء مادی مشکله اجسام است که بحالت آزاد وجود دارد .

در اجسام مرکبه هر ذره از اجتماع اتمهای مختلف و در اجسام بسیط از اجتماع اتمهای مشابه موجود آمده است و اتم کوچکترین جزء عنصر مادی است که میتواند در ترکیبات شیمیائی وارد عمل گردد ابعاد اتمهای عناصر مختلفه متفاوتند

استفاده از نیروی اتمی در عصر حاضر مورد توجه دانشمندان - اقتصاد یون - سیاسیون و جنگجویان بزرگترین کشورهای جهان است و در سنوک اخیر بسیار مشهود شده و همگان کم و بیش نانی از آن شنیده اند ولی درازمه قدیم انقدرها مشهور نبوده است و برای اولین بار در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح

LEUKIPPOS

از اتم (یعنی تجزیه ناپذیر - یا جز لایتجزی) سخن گفته است که بعد از توسط دوست و شاگردش ذیمقراط

DEMOKRITOS

متولد ۴۶۰ ق م) توسعه یافته و بصورت فرضیه خاص در آمده است که هر چند با فرضیه اتمی امروز قابل قیاس نیست میتوان ذیمقراط را از نظر تاریخی بنیان گذار فرضیه اتمی دانست زیرا فلاسفه

حضرت عبدالبهاء ارواحناله الفدا در شب شنبه ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۹ هجری قمری مطابق با دهم نوامبر ۱۹۱۱ میلادی در منزل جناب در یفوس در پاریس خطابه متعالیه در اثبات ترقی و بقای روح ایراد نموده و مطابق اصول معتقدات و مفهومات علمی آنروز به فرضیه اتمی اشاره فرموده اند .
قوله الاحلی :

" اما روح انسانی ترکیب نیست از عناصر مختلفه نیست بلکه مجرد از عناصر است و مقدس از طبایع چون مرکب از عناصر نیست اینست که حی و باقی است در نشئه ابدیست - حتی در علم فلسفه طبیعی ثابت است که عنصر بسیط را انعدام - مستحیل زیرا مرکب نیست بلکه مجرد از عناصر است و مقدس از طبایع چون مرکب از عناصر نیست تا تحلیل شود اما کائناتی که از عناصر مرکب است از برای آنها انعدام است مثلا میگویند برای طلا انعدام نیست چه که بسیط است مرکب نیست عنصر واحد است ترکیب نیست تا تحلیل و معدوم شود اما اهل حقیقت بر آنند که کافه موجودات مادیسه ولو فلاسفه زمان بسیط دانند اگر تحقیق و تدقیق شود آن نیز مرکب است ."

حضرت عبدالبهاء در بیان احلائی فوق از مرکب و بسیط عناصر و طبایع زکری بمیان آورده اند بنابراین بی مناسبت نیست که از نظر علمی و تاریخی مختصر مطالبی در اینباره ذکر شود .

2 VAN HELMEL LEMERY

(1) BOER HAAVE بوژهاو

(2) NEWTON و نیوتن

(1661-1679) BOYLE بویل

(3) BRYAN و همچنین بریان

HIGGINS و هیگینز

سالهای 1777 و 1789 - استفاده هائی از این

فرضیات در شیمی نمودند ولی البته هیچکدام از

آنها مانند آلتون انگلیسی (4) DALTON

(1766-1844) نتوانستند بر بنای این تئوری

قوانینی کشف نمایند که پایه و اساس علم شیمی -

جدید بشود این دالتون بود که توانست سه تائون

مهم و اساسی خود را از فرضیه اتی خلق کند و

انقلابی در علم شیمی بوجود بیاورد.

LAW OF قانون نسبتهای مشخصه

CONSTANT PROPORTION

MULTIPLE قانون نسبتهای اضعافی

EQUIVALENT قانون نسبتهای ساده

دالتون تطبیحا معتقد بوده است که اتم غیر قابل

تجزیه است عین جطه خود در باره اتم چنین

است. "تویدان که نمیتوانی اتم را تجزیه کنی یا

بشکنی" و این فرضیه همچنان در کمال استحکام

برعالم علم سلطنت میکرد. اینست که حضرت

من اراد الله ارواحنا الفدا طبق فهم و ادراک -

علماء آن روز اغلب در خطابات مبارکه خود شان -

راجع به وجود بقای روح این طلب را تشریح

فرموده اند که در صورتی که علماء ماده عنصر را -

دانات نزدیک لندن بنام WOOLSTHORPE

کاشف قوه جاذبه عمومی (3) BOYLE (1661-1727)

(1666-1727) فیزیکدان و شیمیدان انگلیسی که شهرتش در

شیمی زیاد است (4) DALTON (1766-1844)

(1766) شیمی دان معروف انگلیسی

یونان که از طریق تفکر و منطق میخواستند اند

اشیا را درک کنند در باره کوچکترین جزء مادی -

(و تقسیم اشیا) بدو گروه مختلف و مهم تقسیم

شده بودند.

گروه اولی تصور میکردند که اجسام مادی تابنهایت

قابل تقسیم است.

گروه دومی عقیده داشتند که در ضمن تقسیم بجائی

میرسیم که نمیتوانیم اجسام را تقسیم نمائیم و این

آخرین جزء لایتجزی و تقسیم ناپذیر را ATOME

نامیدند. بنابراین ایندسته از یونانیان قدیم

اتمهاریا مثابه آجرهای بنای آفرینش تصور میکردند

و مخصوصا نظریه مرکبیتوس این بوده است که ماده

از جوهری بنام اتم (تجزیه ناپذیر) و غیر قابل تقسیم

تشکیل شده است که در خلا حرکت میکند و روح را

هم مشکل از اتمهای نافذی فرض میکردند است.

LUCRETIUS (متولد ۳۰۰ ق م)

طی شعری شیوا و دلنشین چنین گفته است:

" تلخ و شیرین سرد و گرم سرخ و سفید و -

رنگهای دیگر همه در فکر ما وجود دارند نه در عالم

خارج و حقیقی آنچه واقعیت دارد ذراتی تغییر

ناپذیر یعنی اتمها هستند و حرکت آنها در فضای

خالی."

قرنها گذشت و نام اتم گاهگاهی در کتب مختلفه

بنظر میرسید چنانکه پاسکال PASCAL

اتمهاریا ذرات ریز گرد و غباری میدانست و فقط در بر تو

اشعه خورشید که از روزنی باطاقی تابیده باشد

قابل رؤیت اند و لامارتین LAMARTINE

شاعر حساس فرانسوی خود را اتم متفکری میدانست

تا اینکه در سال ۱۶۷۵ میلادی وان هلمت لو مری

(1) (1668-1728) فیزیکدان و شیمی

دان هلندی (2) Sir. Isaac Newton

(1642-1727) ریاضی دان فیزیک

دان - منجم و فیلسوف شهیر انگلیسی متولد در یکی از

غیرقابل تجزیه و فنادانند معلوم است که روح که صرفاً از مجردات است انعدام ندارد غصن اعظم بهامشعب از اصل قدیم در همین خطابه متعالیه مبارکه بعد از ذکر مثالی جمله " خودشان را بایسن مطلب خاتمه میدهند قوله عزیزانه .

" اما اهل حقیقت برآنند که کافه موجودات ماده و فلفلسفه زمان بسیط دانند اگر تحقیقی و تدقیقی شود آن نیز مرکب است."

در اینجا میبینیم حضرت عبدالبهابا قدرت فائقه ملکوتیه منبعث از قوه محیطه بر حقایق اشیاء برخلاف اصول معتقدات علمای بزرگ جهان و فلاسفه زمان بمابین فرضیه که نتایج تجربی و ریاضی بیشمار از آن مستفاد گردیده و بصورت یک حقیقت غیرقابل انکار در دنیا جلوه نموده برده از رازی شگفت و حیرت انگیز برگرفته و از فم مظهرشان صادر میشود آنچه را که احدی از علمای هم زمان و معاصر آن حضرت تا آن حین جرات و جسارت بیانش راند اشتند و بعد از سی و چهار سال تحقیق و تدقیق عمیق بوسیله علماء طراز اول جهان محقق گشت که ام عناصر ترکیب است و تجزیه میشود البته نباید تصور نمود که این ترکیب شیمیائی است بلکه میتوان آنرا نوعی ترکیب خاص فیزیکی و میکانیکی دانست زیرا سرگذشت این تحقیق برای مزید استحضار خوانندگان گرامی تشریح میگردد :

در سال ۱۹۹۳ یعنی تقریباً دو سال بعد از بیان مبارک سر جوزف تامسن انگلیسی S. J. THOMSON

(۵) ۱۸۵۶-۱۹۴۰

و هموطن او فرانسیس و یلیام آستسون (۶)

۱۸۷۷ F. W. ASTON

استاد دانشگاه کمبریج دانشگاه اسپکتروگراف جسم

(۵) S. J. THOMSON (۱۸۵۶-۱۹۴۰)

دانشمند معروف انگلیسی کاشف الکترون

(۶) F. W. ASTON (متولد ۱۸۷۷)

فیزیک دان و شیمی دان انگلیسی دارای جایزه نوبل شیمی سال ۱۹۲۲

برای جد کردن ایزوتومها را درست کردند و در همان

سال (۷) رادرفورد انگلیسی RUTHERFORD

(۱۸۷۱-۱۹۳۷) بیان فرضیه جدیدی برای اتم نمود که دارای بار الکتریکی مثبت است و اطراف آنرا الکترونها منفی احاطه نموده اند و همچنین توضیح داد که هریک از عناصر بواسطه تعداد الکترونها ی اتم خود کاملاً مشخص میباشند این فرضیه اگرچه -

بتصدیق عده زیادی از علمای فرزانه نمونه عالی و صحیحی از اتم بدست میداد اما آنقدر دقیق نبود که از لحاظ کمی نیز نمودهای اتی را توضیح دهد همه بین علماء در گرفت و شیمی دان معروف آلمانی گیسم استوالد G. OSTWALD و فیزیک

دان شهپر فرانسوی دوهم DOEEME این

تئوری را مورد حمله و اعتراض قرار دادند و فریاد برآوردند که این فرضیه برقرار نخواهد ماند و دیگران استهزا میکردند که این تئوری با اساس جدول مندلیف مطابق و موافق نمیآید در آن موقع واقعاً هم -

حق داشتند و باین سبب دانشمندان اتی که در راس آنها رادرفورد قرار داشت سخت سرگردان شده و بیم آن میرفت که این فرضیه در آستان تولد درد نیای علم بواسطه اشکالات و نقائص فراوان با شکست رو برو شود ولی جوانی دانمارکی موسوم به نیلس بوهر (۸)

از نظریه کوانتای ماکس پلانک آلمانی (۹) MAX

PLANCK

۱۸۵۸-۱۹۴۷ استفاده نموده و تا اندازه * این

ERNEST RUTHERFORD (۷)

(۱۸۷۱-۱۹۳۷) دانشمند معروف اتم شناس انگلیسی

(۸) NIELS BOHR (متولد ۱۸۸۵)

فیزیک دان معروف دانمارک دارای جایزه نوبل فیزیک در سال ۱۹۲۲ یعنی در ۳۷ سالگی موفق بدریافت جایزه نوبل شده است.

(۹) MAX PLANCK (۱۸۵۸-۱۹۴۷)

دانشمند بسیار معروف آلمانی واضح فرضیه مجیب کوانتا

دارای جایزه نوبل فیزیک سال ۱۹۱۹

(بقیه در ص ۸۶) (۸۵)

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	♠						♠					
۲												
۳												
۴			♠	♠		♠				♠		
۵								♠				
۶					♠				♠			
۷						♠	♠					
۸		♠				♠						
۹				♠							♠	
۱۰												

(شماره ۳)

- ۱- وقایع آن در تاریخ امر معروف است - از احکام محکمہ کتاب الہی - ۲ - از مہرہ های شطرنج - از -
 صفات موہ من - ۳ - یکی از حروف حی - ۴ - دوست - حرف ندا - ۵ - آواز - محل تولد جناب قدوس
 ۶ - خانہ - زنگ - ۷ - در امر بہائی ممنوع است - مرتفع ترین فلات دنیا - ۸ - سلطان اعیان - مخصوص
 انبیای الہی است - ۹ - در دیانت بہائی حرام است - بعضی از آثار مبارکہ باین نام خواندہ میشود
 ۱۰ - چماق آن معروف است - از صفاتی کہ برای متخبیسن محافل روحانیہ مقرر است

عمودی

- ۱۰ - حضرت اعلی مدتی در آنجا بتجسارت اشتغال داشتند - خاک - ۲ - از آنسوی شہری است کہ -
 شہدای زیادی در راه امدادہ است - عہد شکن - ۳ - از فرق مشہورہ اسلامی - عزیز مصر - ۴ - شاعر
 پیروان حضرت مسیح را باین نام خواندہ است - او را بصفہ شناسند نہ باسم - ۵ - از آلستہ فصیحہ
 مسقط الرأس جمال قدم - ۶ - ہر فرد واجد شرایط بہائی مکلف بہ ابدای آن است - علامت جمع موہ نت در
 زبان عربی - ۷ - فقیر - از حواریون حضرت مسیح - ۸ - داستان درہم - رستگاری - ۹ - دوستی آن -
 بہ تنہائی مایہ افتخار نیست - ادرنہ - ۱۰ - در مقابل الہیون - جغد سر بریدہ - ۱۱ - خوشگذران
 - قطرہ

دعوت به همکاری

در آفاق دوره جدید آهنگ بدیع . هیئت تحریریه
تصمیم گرفت بجای اینکه هر مطلب یا مقاله قابل -
درجی که در موضوعات مختلفه بهیئت واصل میشود
بدون در نظر گرفتن هدف معین در آهنگ بدیع -
درج نماید . موضوعات و مباحث مختلفه مفیده ای
را که بنظر هیئت اطلاع بر آنها مورد احتیاج و لزوم
جامعه است تعیین نموده و با اطلاع خوانندگان
و دوستان و ارباب ذوق و قلم برساند تا نویسندگان
ارجمند و آنانکه همواره با همکاری خود آهنگ بدیع
را تقویت و تصدیق آنرا تشویق فرموده اند در هنگام
تحریر مقالات و مطالب سعی فرمایند تا آنجا که
ممکن است مطالب مرقومه را در زمینه موضوعات
مفصله ذیل مرقم فرمایند تا مورد استفاده بیشتر
خوانندگان عزیز قرار گیرد .

فهرست موضوعاتی که در هیئت تحریریه جالب
توجه و مفید تشخیص داده شد از این قرار است .

۱- فلسفه و حکمت از نظر دیانت بهائی

۲- دیانت در عصر ماشین

۳- نقش دوست و معاشرت در تربیت اطفال

۴- نقش دین در گشایش عقده های روانی

۵- روانشناسی در خدمت تبلیغ

۶- تصوف از نظر دیانت بهائی

۷- شعر و ادبیات از نظر دیانت بهائی

۸- تحول شخصیت در ظل دیانت

۹- زبان بین المللی

۱۰- تحلیلی از سبک های معماری اماکن مقدسه

بهائی .

۱۱- علم لدنی

۱۲- موعود ام مختلفه .

۱۳- استعارات و تشابهات کتب مقدسه

البته هیئت تحریریه خود واقف است که موضوعات و
مباحث مفیده بسیار دیگری نیز هست که از هر لحاظ
اطلاع دوستان عزیز بر آنها واجب و لازم است و بدین
لحاظ لازم بتذکر نیست که کماکان مقالات و نوشته های
را که در زمینه موضوعات مفیده دیگر نیز واصل شود بنا
کمال امتنان قبول و با تصویب لجنه مجله نشریات
درج خواهد نمود ولی هیئت تحریریه بیشتر ممنون
و متشکر خواهد شد اگر ارباب ذوق و قلم کوشش فرمایند
که بفراخور رشته تخصصی و اطلاعات جامع خویش
یک یا چند موضوع از مواضع فوق الذکر را انتخاب و
باتکرر مقالات و مطالب جالب و مستندی در زمینه
موضوعات مذکور هیئت تحریریه را ممنون و خوانندگان
ارجمند را مستفیض فرمایند .

هیئت تحریریه

دین و زندگی

ع - ص

قسمت اعظم تعالیٰ شامل دستورها و قوانینی است که بشر بوسیله آنها میتواند از حیات فردی و اجتماعی خود کامیاب گردیده آنطور که شایسته مقام انسان است روزگار بگذراند .
این تعالیم که بنا بر اعتقاد اهل بها با اقتضای زمان کاملترین آن در دیانت بهائی موجود است مضمون دستوراتی بخیر و صلاح انسان در تشویق و تحریص به محاسن و تحذیر از معایب و مفاسد است و شکی نیست کسانی که طبق تعالیم این آئین نازنین عمل کنند در شئون مختلفه زندگی خود افرادی موفق و خوشبخت خواهند بود و بدرستی از مواهب حیات برخوردار خواهند شد .

XXX

نویسنده دانشمند جناب عنایت الله سهراب اخیرا کتاب مفیدی در این زمینه بنام " دین و زندگی " تالیف نموده اند . بطوریکه نویسنده محترم در مقدمه این کتاب متذکر شده اند در سفر یکماهه ای که بمدینه طیبیه شیراز نموده اند این کتاب را مرهم فرموده اند " اوقات قبل از ظهر فراغت بود بیشتر تذکر بوظائف اساسی و اینکه با چه وسیله ای میتوان بحل مسائل و مشکلات زندگی و رفع الام و مصائب مختلفه کنونی توفیق یافت مصروف میداشت . . . " در واقع این رساله حاصل مطالعات و تحریرات سفر یکماهه ایشان است که با مراجعه بآثار الهیه مباحث مختلفی در این باب گرد آورده در این مجموعه جمع آوری نموده اند .
مدرجات این کتاب بلو قسمت تقسیم شده است :

قسمت اول تاثیر محاسن در زندگی از قبیل - پرستش خدا - تقوی - محبت بنوع - عدالت - علم و معرفت - اعتدال کار - اتکای بنفس - سنت تکامل - صدق - امانت و درس - عفت و عصمت - استقامت - حسن سلوک و لطف محضر ادب - خلوص نیست - صلح - اعتقاد به بقای روح - وفای بعهده - تعاون - تغییر ادیان - مصاحبت نظافت - تواضع - حیا - تحری حقیقت - تبلیغ - تساوی حقوق زن و مرد - وحدت لسان - مشورت - حل مسئله اقتصاد - مجازات و مکافات و از دواج .

قسمت دوم تاثیر ذائل و مفاسد در زندگی از قبیل :
عصیان - عادات مضره - ظلم و جور - غیبت و افترا - دروغ - تعصبات - حسد - حرص و آز

XXX

بطوریکه ملاحظه میشود کلیه مواضعی که در این کتاب آمده است مسائل و مباحثی است که همه ما در

آهنک بدیع

بجهان اتم جایزه نوبل سال ۱۹۲۴ را دریافت نمود در این موقع ۱۱ سال از نطق مبارک گذشته بود که علماء حتم کردند که همچنانکه يك بنج از آجر و سنگ و سیمان ترکیب شده اتم هم ترکیبی است از هسته مرکزی .
ELECTRON
PROTON
الکترونهاي دوار که حول هسته مرکزی در گردشند .
(پایان قسمت اول)

بقیه (علم و دین) از ص ۷۹

" بزرگترین متفکرین تمام اعصار عمیقاً نفسوس متدین بوده اند ."
این ارتباط بین الهیات و نبوغ بانیان علم نیز مسئله دیگری است که سر وحدت بین دین و علم را در خود نهفته است .

با هسر فرقانی

اسفند ۱۳۳۶

منابع مطالعه

- ۱- رساله " توافقی علم و دین تا " لیف لیادی امرالله جناب علی اکبر فروتن .
- ۲- رساله " بیان روحانی تا " لیف جناب - احمد یزدانی
- ۳- کتاب دانش و دین تا " لیف جان الار -
- ۴- کتاب انسان مرد ناشناخته تا " لیف دکتر الکسیس کارل
- ۵- کتاب راه و رسم زندگی تا " لیف دکتر الکسیس کارل
- ۶- کتاب عقل کامل تا " لیف اوراتریست
- ۷- جزوه هدف حیات تا " لیف جناب آوارگان
- ۸- رساله " مدنیه .

زندگی روزمره با آن روبرو هستیم و کم و بیش در زندگی فردی و اجتماعی خود با آنها بر میخوریم و چه بهتر که اوامر و نواهی الهی را در قبال آنها بدانیم و با آنچه لازم است عمل نماییم .
از جمله مزایای این کتاب این است که نویسنده در هر فصل از بیانات مبارک نقل کرده و با آنها استناد جسته و فی الحقیقه بحث خود را بر روی آثار مبارک بنا نهاده اند .

دیگر اینکه با زبانی بسیار ساده و روان نوشته شده و هر کس ولو اینکه دارای سواد کم هم باشد میتواند بخوبی مطالب آنرا درک نماید .
این کتاب مفید در سال ۱۱۷ بدیع از طبرف لجنه ملی نشر آثار امری بوسیله مؤسسه ملی مطبوعات امری در ۱۳۶ صفحه بقلع پستی باروی جلدی زیبا و متن روشن و مطبوع نشر یافته است . مطالعه این کتاب راه عمم احبا مخصوصاً جوانان عزیز که جویای کتب خوب و مفید میباشند توصیه میکنیم و امیدواریم از مطالعه آن بهره کافی بگیرند .
پایان .

بقیه (اتم) از ص ۸۵

فرضیه را مستحکم نموده باین معنی که اتم بوهر از لحاظ شکل ظاهری مشابه با اتم را در فرورد بود منتها بوهر گفت که الکترونهاي منفی دور هسته مثبت در گردشند و چگونگی صدور انرژی الکترونها را از روی تئوری گوانتا از لحاظ کتی و کیفی حل نمود و بعد ها همین شخص با صحت و دقت عجیبی علت وضع قرار گرفتن خطوط طیفی را با بستگی آنها به جهش الکترونها توضیح داد و خواص فیزیکی و شیمیایی عناصر را از روی ساختمان اتم آنها نتیجه گرفت و بالاخره توانست کلید جدول مندلیف را بدست دهد این عالم شهیر بواسطه خدمات گرانبهايش

آهنگ بدیع

بقیه (ایادی امرالله) از ص ۷۳

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	♠	م	و	ص	ر	ه	یت	ش	د	ب	ا
۲	ع	ا	ط	ق	ا	♠	ر	ی	ز	و	۲
۳	ی	د	ن	ه	د	ی	ع	س	خ	ش	۳
۴	ا	ی	♠	♠	ا	♠	ر	ا	ی	♠	۴
۵	ش	و	ر	ف	ر	ا	ب	♠	ه	ر	۵
۶		ن	و	ل	♠	ت	ب	ی	♠	ا	۶
۷	ر	ی	م	ا	♠	♠	ه	ی	ق	ت	۷
۸	ش	♠	ی	و	♠	ا	ن	و	ر	ض	۸
۹	خ	و	ل	♠	ا	و	و	س	♠	ب	۹
۱۰	ه	م	ی	ل	س	ر	ی	ف	ك	ت	۱۰

اصلیه ایست که در جامعه بین المللی بهائوسی موجود میباشد .

وظائف ایادی امرالله در الواح قدسه وصایا و توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله تعیین و تصریح گردیده و اهم آنها دو وظیفه اساسی و خطیریکی تبلیغ و انتشار کلمه الله و دیگری حفظ و صیانت امرالله میباشد .

همانطور که یاران الهی بخاطر میاورند پس از واقعه جانگداز صعود مبارک ایادی امرالله در ارض اقدس مجتمع و با استمداد از انوار هدایت الهی نه نفر را از بین خود برای عضویت هیئت ایادی ارض اقدس انتخاب نمودند و در حال حاضر این هیئت مجله در ظل تأییدات الهیه و بر وفق نقشه ها و نوایای عالییه حضرت ولی محبوب امرالله مشغول خدمات روحانیه میباشند .

XXX

انشاء الله در شماره های آتیه بتدریج مختصری در شرح حیات و خدمات نفوس مخلصه ای که بشرح آنچه که گذشت تاکنون بلقب ایادی امرالله مفتخر گردیده اند برای اطلاع و استفاده خوانندگان عزیز در آهنگ بدیع درج خواهد گردید

حل جدول شماره ۳